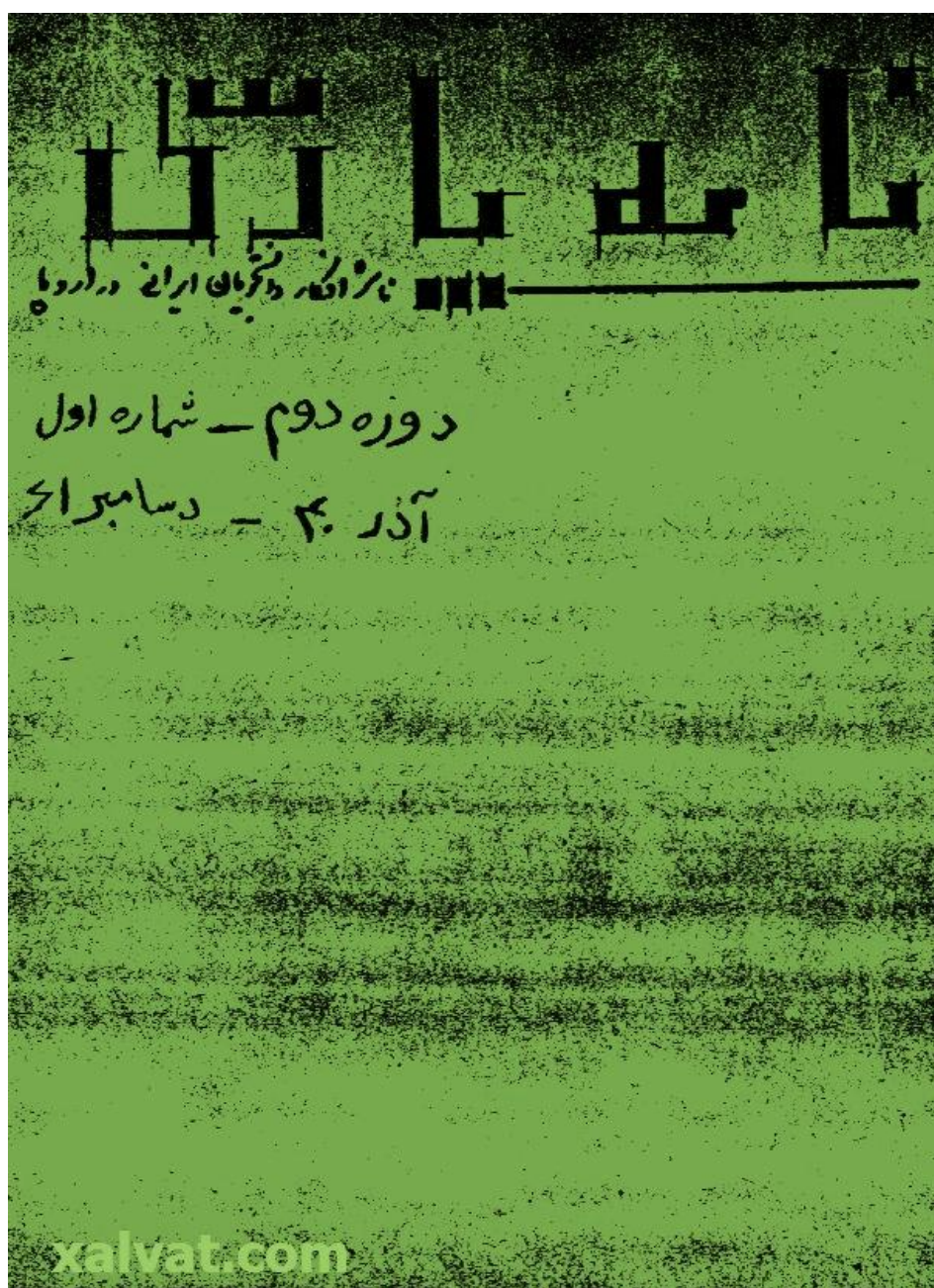




۷۲۹

نامهء پارسی ، دورهء دوم ، شمارهء اول ، آذر ۱۳۴۰ - دسامبر ۱۹۶۱

[عزیزى که فتوکپی این شماره را در اختیارم گذاشت -وجه منتی که برمن (وشاید شمای خواننده) که نگذاشت ! - ، و هیچ گناهی بر "گردن" ش نیست، اما : فتوکپی بسیار کم رنگ است و پُر از لک و لوک ها . سعی خودم را کردم ، تا آنجا که از توانم برمی آید ، لکه ها را از بین ببرم ، اما کمی رنگی های حروف ... راه حل را در رنگی ("سبز") کردن صفحات یافتم - و می بخشید که : موفق نشدم !]



موضوع شماره

مطابق بوده با خوانندگان

سندیکالیسم دانشجویی

طوفان مه‌آلود (موضوع)

صلیبی از اقتصاد کشورهای

آسیه نیافت

عمر چیست؟

سون با سن

اما سنامه کتفدراسیون مطمین و دانشوران ایرانی در اقتصاد

منفور گرویل

منفور دانشجویی

فلسفه دومین کنگره کتفدراسیون

فدائیات های سیاسی را اقتصادی

«نامه باری»

گزارش دوم کنگره دوم کتفدراسیون

ع-سینمایی

مجموعه منتظر

کتاب پل سارتر (نگاه از فلسفه)

د-سج

کنگره دانشوران ایرانی فلسفه

موضوع شماره

«سنامه باری» به‌طور نا‌میداری دانشجویان ایرانی

می‌باید در نشانه ایران کشورهای فرمتکی و علمی و هنری

هر توسعه علمی و فرهنگی که از طریق و غیر اقتصادی

این محله آزادانه می‌تواند دارد و بدون چشم‌پوشی

بهره‌مند هر توسعه خودمستقل افکار و عقاید مستقل

بیان میدارد.

xalvat.com

سالی چند سالگردنگار

اکنون که "نامه پاریس" پس از عارضی که چهارمدهم به روش تازه سروگامی استوارتر برای انعقاد است سخاوت‌پدوار است که وسالت‌گیری را که دارد اینها که طایفه مقام و حیثیت‌گروزی است که بدان منسوب است انجام دهد و از ورطه‌های فراوانی که در پهن‌استان سلامت برد.

نامه پاریس از این پس ارگان "کنفدراسیون محصلین و دانشجویان ایرانی در اروپا" خواهد بود و بنا بر این یک‌نشریه منفی است. ولی باید یادآور شد که این منصفین معنی بر "حصول دانش‌نیها و اندوخته‌های فکری بشری" است مجله پاریس دایره کار خود را از دیگر مجلات منفی وسیع تر احساس میکند.

جد این مجله همان‌جند دانش‌نیها و اندوخته‌های علمی است که دانشجویان در هر رفته یکسبب منقولند و بنا بر این نامه پاریس میخواهد محفل باشد که در آن دانشجویی که می‌اندیشد، پس از انداختن با مظاهر گوناگون تمدن جدید و مطالعه آثار و افکار تازه و مصلحت در مسائل گوناگون اگر منفی دارد که بکار خواهد آمد می‌خواند یادوستا نثر در میان بگذارد.

گرچه عک نیست که یک مجله دانشجویی نسبت به سرعت همین خود و آنچه در از می‌گذرد نمی‌خواند بی تفاوت بماند و بجریان‌هایی که در جامعه وجود دارد ابدان نموده و لسی این امر هیچگاه ما را وادار نخواهد کرد که در مسائل روز که ممکن است همه دانشجویان دارای یک‌مذاق و طایفه واحدی نباشند بیکسو بگرایشیم و از جلد منفی خود بدر اشیم زیرا بهر حال مجله ادعا دارد که نماینده افکار دانشجویان است و همه وقت امکان آن هست که چند یا چندین دانشجو با آنچه اکثر می‌اندیشند موافق نیاید.

امروز کار نکردن و کناره گرفتن بکنوع "مذات" مصوب می‌شود و مخالفتها هر جریانی که پیش‌آید بکنوع "صیق" و این دو حجاب‌شعبی است که در پناه آن با ابرو منقش گروهی صف خود را در محفل بار مسئولیت و صرف وقت و احیاناً بهر و کم فداکاری و هیز خود را از انجام کاری که در پهن‌است پنهان میکنند و طایفه این بیماری را هیچ اثر شرم دیگری با هم بهار آورده باشد و آن اینست که محدودی هم که واقعا "متین" و "صیق" هستند چون بقول حدی "صل کار نبردمند نیست" دست‌بکار نمی‌شوند و این محرومی است که ما از اسبادهای فراوانی که در گوشه و کنار پنهان مانده‌اند داریم و اگر نامه پاریس از این پس این بیماری متانت‌ترا از میان ببرد و این گوشه پنهان آگاه و لایق را بدان‌شعب و سررشته‌های منقش و لیسبه سازد، یعنی کرده است که بود آن بیک‌صنف محدود نخواهد بود و جامعه ما و آینده وطن ما نیز

از آن فراوان بهره خواهد گرفت *

ارزومندیم که از این پس صفحات این مجله محنت بیکار قلمهای نبرومند و پاک دانشویانی باشد که پیش از هر چیز با این میاندیشند که دانشجویانیکه در گوشه و کنار اروپا پراکنده اند نبروشی ارزنده و واقعی پدید آورند و با طلای اندیشه ها حرافه های برانگیزانند که پیش پا را روشن سازد و با کوشش و امید این محیط سرد و زمستان زده را گرمی و عبوری تازه ببینند تا مگر بسجول شاعر بساخ شود سبزه و سرخگل بسدر آید *

گزارش به هومین کتکزه دانشجویان ایرانی در اروپا
(از طریق اساتید دانشجویان ایرانی در فرانسه)

(۱) مقدمه

جناب جوش و فعالیت سازنده ای که امروز در بین دانشجویان ایرانی در اروپا بوجود آمده است * حس و کوششی که در راه ایجاد هم بستگی و گسترش روح صکاری در بین روشنگران دور از زمین ما انجام میشود محصول تدبیر و فضا و قدر و احکام آسمانی نیست *

این کوشش و کار تلاش ندرجه مستقیم بیداری دانشجویان و معنای زمان بر امروز بوجود آمده است *

زمان ما دوران پدرا نی بسابقه ای است که تا کنون در تاریخ بشر پیشینه نداشته است * هر ما عصر جنبش و حرکت و کار و عمل است * قرن ما قرن پیروز ترقی و پیروزی ارزشهای انسانی است * دوران ما در تاریخ نفاذ عاقلی است که میتواند مستقیماً زندگی انسانها را در راه جدیدی قرار دهد * ترقی علم و صنعت و علیه انسان بر طبیعت امروزه بجایی رسیده است که بشر با کار و کوشش خود سر نوشت خویش را معلوم میسازد و در این مبارزه مرگ و زندگی نسبی و هستی و تاریکی و روشنایی پیروزی از آن کسانی است که صحتی نا پذیر و عالی از ترس و لیز و تزلزل ممانند *

دیگر در گوشه خلوتی نستون و صوفیانه سیر آفاذ و انصر کردن و چشم بسوی آسمان دوختن و مشغول تدبیر و تصادفاتماندن در دریای دوا نمیکند *

در جهانی که در آن نمی بیشتر از بشریت از ابدیاتی ترین مسائل زمین محرومند * در دنیا هایی که اجتماعات کم رشد و عقب افتاده از امروزه بزرگترین و خادترین مشگل و عقده قرن را بوجود آورده اند برای روشنفکران و جوانان و در راه انسان دانشجویان علت وجودی دیگری جز این پیکار در راه آزادی انسانهای میره روز و به پیروزی رساندن ارزش انسانی آنها موجود نیست *

بر ما دانشجویان علاوه اجتماع عقب افتاده این کار و کوشش بر این مبارزه و پیکار عظیم و غول همگر از بنیان و پایه و ضربه نیست که همگرا بهیچ عنوان در شانته عالی کردن از زیر آن نیست *

سندیکالیسم دانشجویی «البر و دیلور» این ضرورت حیاتی و این رسالت تاریخی است و با جمع کردن و اتحاد کلیه روشنفکران و دانشجویان در داخل خود وسیله فعلی و موثری برای پیروزی علم بر جهل زندگی بر سرگرا آنها بر شبه انصافهاش که ارزش بشری بود را از دست داده اند *

xalvat.com سندیکالیسم دانشجویی چیست ؟ (۲)

سندیکالیسم دانشجویی که از نمونها و اجزای آن بیستم است حتی در مسعکم ترین و

قدیمی ترین دوره‌ای خود در جهان هنوز بصورت يك پدیده توغنا محققه میشود .
 از آنجا که صرفه‌های کلاسیک سندیکا در دو قرن گذشته دیگر در شناساندن سازمانهای صنعتی و ابقائی
 عصر حاضر نارما و نادر است شناخت این سازمانها بطور اعم و مطالعه سندیکالیسم دانشجویی با انجمن‌روشن
 میدارد که تا به حد چهار چوب صرفه‌های حقوقی گذشته در مقابل واقعیات و تغییرات عمیق و اساسی
 اجتماع بشری در دوران ما کوچک و محدود و ناکافی و تکیه بران برای طرد و نفی سازمانهای صنعتی مختلف
 تا به اندازه چشم بستن بر روی حقایق و ناشی از کوتاه بینی است .
 صرف (سندیکا یعنی اجتماع مزدگیرانی که میخواهند در شرایط کار خود بهبودی حاصل کنند بدون
 در نظر گرفتن عقاید سیاسی و مذهبی) حتی دیگر در مورد سندیکاهای کارگری هم صادق نیست ؛
 ۱ - سندیکای کارگری مبارزه خود را سیاسی میکند . مثال : بزرگترین مستحزب کارگر در
 انگلستان را تریاد یونین تشکیل میدهند که خود از اتحاد سندیکاهای کارگری بوجود آمده اند .
 ۲ - سندیکای کارگری شرایط مذهبی بودن را برای خود وضع میکند . مثال : کنتدراسیون

فرانسوی کارگران مسیحی

علاوه بر سندیکاهای کارگری اکنون سازمانهایی وجود دارند که از کارمندان دولت متعصب فنی
 مصلحتی و کادرها تشکیل شده اند که از تدار وضعیت ابقائی حال تحد وسطی بین کارگر و کارفرما دارند
 و بدین ترتیب مداخله میشود که برای توجیه و مطالعه از کار آنها دیگر نباید بمعنای اجتماع شناسان
 و حقوق دانان قرن نوزدهم مراجعه کرد . امروزه نوترین این پدیده ها سندیکالیسم دانشجویی است
 که نه شباهتی بحزب سیاسی دارد و نه کاملاً میتواند بر سندیکالیسم کارگری منطبق خود .

الف - فرود حزب و سندیکا

حزب سیاسی هم او برنامه و وسیله اش با سندیکا بطور کلی متفاوت است و اگر در بعضی
 موارد اتفاق نظری روی پاره ای از مسائل بین این دو ایجاد میشود این اتفاق از مبدا با هم فرق کلی
 داشته اند و در آنها هم با هم تفاوت اساسی خواهند داشت .
 ۱ - برنامه و اهداف حزب سیاسی استقرار رژیم اجتماعی خاصی در کشور است و وسیله
 آنها در دست گرفتن قدرت و حکومت . حال آنکه سندیکا نه برنامه اش بر فراری رژیم اجتماعی بخصوصی
 است و نه هیچگاه ادعا کرده است که برای در دست گرفتن قدرت مبارزه میکند .
 ۲ - حزب سیاسی برنامه خود را بر تمام مردم کشور پیشنهاد میکند و همه افراد را در
 مبارزه خود دعوت بهمکاری مینماید ولی سندیکا مبارزه اش محدود به دفاع از منافع مشعرك صنعتی و
 اجتماعی یا صنعتی یا زاهدانه است و همه افراد جامعه نمی توانند عضو فعال آن باشند .
 ۳ - آنچه افراد حزب را بهم نزدیک میکند تفکر و طرز دید فلسفی سیاسی بخصوصی
 است که نیروی محرکه حزب را تشکیل میدهد . حال آنکه در سندیکا چنین وحدت ایده هولوزیکی وجود ندارد

و آنچه باعث تردید یکی افراد دیگر است منافع مشترک معنی یا طبقاتی آنهاست ۱ .

۴ - آسان و وابستگی اندک در حزب بسیار با دوام و محکم است چون بر روی ایده های مشترکی بنا شده است . در سندی که به نام است که افکار سیاسی و مذهبی آزاد است این هم بستگی آن دوام و پایداری و تقارن و همچنین مناسبت سندی که در عنوانت واضح به بر مساله سیاسی روز که اصیبتان از نظر منافع مشترک است . شایر در توده آن نامیز است که هم بگوید .

خالvat.com

ب - فرد سندی که انوسم دانند - رضی و سندی که هم کارگری

۱ - کارگران طبقه اجتماعی خاصی را تشکیل میدهند و در مقابل طبقه دیگری بنام کارفرما قرار دارند . منافع طبقاتی کارگران در تضاد دائم با منافع طبقاتی کارفرما بیان است و بر اساس این تضاد منافع طبقاتی مبارزه طبقاتی بین ابتدا و بطور دائمی و اجتناب ناپذیر بوجود میاید . در حالیکه سازمان دانشجویی در تنها یک طبقه اجتماعی خاص - لایزال روی کاغذ - نیست بلکه در مقابل طبقه کارفرما هم قرار نمیگیرد . دانشجوی کارفرما ندارد و هرگونه نظر یا فرضیه ای که بخواهد دانشجویان کارگر و استادان کارفرما هم بریزد یا تشویه کند به ایدئال بینگ نهضت دانشجویی که همیشه خود را در کنار و مستر انضامی اساسی خود حساب میکنند . بهمانت کرده است .

۲ - در سندی که کارگری افراد وابسته بان رای دت زیادی - و شاید تمام عمر - کارگر میمانند و بدین ترتیب دو عامل متعاضد در راه فعالیتشان ظهور میکنند . اول آنکه بمناسبت این دائمی بودن وضع اجتماعی کارگر مبارزه سندی که میخورد یا بگیرد تر عمیق تر و آگاهانه تر صلب میکند و حسایران و اعتقاد به فعالیت سندی که میخورد او وجودش مییابد . دوم آنکه بمناسبت صحن دائمی بودن وضع اجتماعی درون صلب جنگی وجود در روز کار سندی که امکان پیشگیری دارد . حال آنکه نهضت دانشجویی حلقی افراد به قدر دانشجوی موقتی است و محتویات دنیای دانشجویی در مدت کوتاهی بکلی عوض و فراموش میشود . بنا بر این مبارزه سندی که میخورد کم عمق تر و آگاهی سندی که کم بود عمق برآمده بود و در حلقی حلقی افکار و عقاید و نوبت طرز دید ما از جنگی وجود جلو میگیرند . با وجود این سندی که میخورد دانشجویی پیشرفته عالم راه حلی بسوچالیب و اموزنده برای از بین بردن تضاد همه اول یافته اند که مبارزات اولایی کردن حلقی افراد به قدر دانشجوی با ارتباط دادن سندی که هم دانشجویی از طرفی به سر ویودی دانشگاه و سهلیمت محوطه (دانشجویان فردا) و از طرف دیگر به در هر حلقی آن یعنی روشنفکران و قاری لاسمیلان (دانشجویان دیروز)

۳ - سندی که کارگری معطوف و در جهت منافع طبقاتی کارگران اقدام میکند . در سندی که هم دانشجویی وضع یکدیگر از این است . اگر معطوف میوز دانشجویان وابسته به طبقه اجتماعی خاصی نیستند و از نظر روش و سازمان به قدر همایون بنام اجتماع بستگی دارند در عمل تجربیات روزمره و ممالله تاریخ سازمانهای دانشجویی جهان حلقی در کشور های پیشرفته نشان میدهد و بررسی های

اماری تا بید جنبه‌ها بد که دانشگاه اغلب افراد و نیروهای خود را از اوقات صرفه و اسوده اجتناب جذب میکند و بطور کلی تعصبات عالیته حتی تا قبل از جنگ دوم جهانی از «امعناوات طبقاتی» مصوب میشد و نه از احتیاجات علمی و منطقی و اگر امروز در ممالک پیشرفته عالم در راه گسترش و عمومی کردن صلیماات عالیته قدمهایی برداشته شده است. در ممالک کم رعد و توسعه هنوز این «امتیاز» در اجتماع همگان نسبت و نسبت طبقاتی در دانشگاه همواره تصویر معکوس نسبت طبقاتی در اجتماع است. این مساله در تاریخ سندیکالیسم دانشجویی همیشه بزرگترین نفاذ ضعف را بوجود آورده است و راه حل آنها در همین حالیهی سابقه همین و بدین ترین مسائل سندیکالیستی شناخته شده است: سندیکالیسم دانشجویی باید در جهت منافع طبقاتی بین گام بردارد و این امر تا هنگامی صحیح است که نسبت طبقاتی فعلی در دانشگاه دگرگون شود.

۴ - بر تلافی سندیکالی کارگری سازمان دانشجویی همه با بیشتر نیروی خود را صرف مبارزات منفی و احقاق حقهای روز نمیکند. و از آنجا که یک سندیکای حقیقی سندیکالیستی است که خواستهای آن منطبق بر منافع عمومی اجتماع باشد سندیکالیسم دانشجویی نمیتواند در زندان فتنه، تقاضاهای خصوصی خود بدون در نظر گرفتن اجتماع و منافع آن - خود را بجا کند و خود بخواهانه در جهت بدست آوردن امتیازات بیبهره تمام نیروی خود را بکار اندازد و از بین ببرد. به این چنین طرز فکری دنیا خداندن دانشجویی را از هدف عالی و معرفی نمود که دلیسنگی و خدمت با اجتماع عمومی و وفاداری با اصل انسان دوستی و شناخت و احترام ارزش بشری است و در بیگانه میبازد. علت وجودی سندیکالیسم دانشجویی مرکز در پرداختن به مسائل روز از قبیل کمک هزینه تحصیلی و آرز و امثال آن علامه نمیشود و هدف اولیه از آن مرکز مساعلی بسعه و عمومی و خارج از منافع جامعه نیست.

سندیکالیسم دانشجویی این حقیقت را میشناسد و به دانشجویان امروز ما بدون بیم و هراس اعلام میکند که اگر آنان اکنون از امتیاز امکان ادامه صلیماات عالیته بهره مندند بطاقت آنست که فرزندان اوقات پائین اجتماع از حقوق خود محرومند. باین سبب بظاهر خدمت با اجتماع و به پیروزی رساندن آن ارزشهای انسانی که برآورده میشوند و از بین میروند او راه را میگیرند و هموار میکنند.

ج - صرف سندیکالیسم دانشجویی xalvat.com

از آنچه گذشت نتیجه میشد که سندیکالیسم دانشجویی گوچه است از تمام همگانی و جهانی روشنفکران برای ابادی و توسعه بشری انسانی. نیروی استنفاشی از اجتماع و در خدمت اجتماع و نه خدمت فکلی است از دانشجویان که بر آرزوی بهبود شرایط کار علمی و پیش بردن فرهنگ و تمدن و علم و دانش و هنر و فن در جهت منافع و در خدمت جامعه خود فعالیت میکنند.

(۴) برنامه کار و سیاست دانشجویی

برای رسیدن به هدف عالی انسانی، بود سیاست دانشجویی در سه رشته موازی ولی نه متلف و
 «باین باید مورد دستو تجزیه و تحلیل قرار گیرد :
 مسائل علمی و ... مسائل اجتماعی مسائل بین المللی

xalvat.com

الف - مسائل صنفی و علمی -

دانشجوی امروز متخصص و دانشمند فرد است . کار او و زندگی او پژوهش و کاوش و کار علمی است . او
 اینرو باید کارگاه ابزار کار و شرایط این کار علمی را بدسی کرد و در اصلاح آن کوشید .
 کارگاه بزرگ دانشجویان دانشگاه استولی دانشگاه چیست ؟ قانوندانان نعل گفتمه باین سوال
 اینطور جواب میدهند که : « دانشگاه نسنگاهی است شامل بر مجموعه دانشگاه ها که بوسیله
 عواید مالی دانشگاه و رئیس آن - که رئیس دانشگاه است - اداره میشود . »
 ولی آیا دانشگاه جز یک ساختمان یک بنا و دارای یک مصرف معماری نیست ؟
 بمعنیه دانشجوی مترقی دانشگاه یک ساختمان بوده نیست بلکه یک فعالیت مستعد جمعی است . یک کار
 فکری با اشتراک استاد و دانشجو است . این کار جزئی از کار بزرگی است که ملت برای بقا و ادامه
 حیات خود انجام میدهد بنا بر این دارای یک ارزش اقتصادی است . برای اینکه این کار خوب انجام
 شود باید در داخل دانشگاه هم مانند هر کارگاه دیگری شرایط ابتکار آماده و مهیا باشد .
 در جهت تامین شرایط ؟ آری . سندیکالسم دانشجویی مسائل صنفی را طرح میکند .

۱. مشکلات روز دانشجو

(اول) کار دانشگاهی

کار دانشگاهی، مدهای مدید به توان کار شتاء بعد نمیشد و دلیل آنها شاید خصوصیت تفردی
 بودن این کار است و اینکه نتایج آن در آینده خیلی نزدیک قابل مصرف و ارزیابی نیست . بطور
 گسترش پیش از پید علم و صنعت کم اقتصاد بون را باین فکر انداخته که برای بهر فرشتا اقتصادی اجتماع
 کادریا و متخصصین همانقدر مورد لزوم و احتیاج هستند که سرمایه های مادی . در واقع اگر چه کار
 دانشگاهی جنبه فردی دارد و در ظاهر مخصوص می نماید ولی این یک کار آموزشی اولیه است که نتیجه آن
 در آینده دورتری نصیب جامعه می گردد : زمانی که کار آموز به کارشناس تبدیل میگردد و این نصیب
 که جنبه اقتصادی آن بر دیگر بوشیده نیست . راه جهت کردن علمی و صنعتی اجتماع بکار می افتد بنا
 بر این . معصه سرمایه است و فرشته معصه سرمایه گذاری علمی و فکری و این برای جامعه همانقدر

روزی و میانی است که سرمایه گذاری مالی، با وجود این مشکلات ساله سرمایه آنداز فرنگی با راه لایحه برای رایج نگردان اقتصاد یافته شده است. قابل توجه شدن نیست، آژانسها، نهادها که در دوران جاسور در پاره‌ای از کشورها انجام شده نشان دهنده این حقیقت بوده است که اگر صنعتی نمودن کشورها میتوان با داشتن مصرف داخلی و بنا بر این استفاده از ما زاد تولید با سرعت بیشتری، لو برد تربیت کار با توسعه باین نوع روشها غیر ممکن است و یا اگر ممکن باشد، نتایج مطلوب را نمیدهد. به همان ترتیب از کشورهای عقب افتاده هم باین نتیجه رسیده اند که احتیاج این نوع ممالک فقط از نظر مادی نیست، بلکه امروزه جذب و جلب سرمایه بهمانین مکتب آنگاه را مشکل نمیباشد بلکه این فرآیند در نبود مقامات، بلکه مشکل بزرگ را تشکیل میدهد و برای تهیه دار و در حل این مشکل بزرگ هم مدتها وقت لازم است به علاوه بسیاری از کشورها که از نظر اقتصادی عقب افتاده هم نیستند و یا تا به حال نبوده اند اکنون یا عدم تبادلی که در دارهای آنها ایجاد شده است نم گم از ممالک دیگر عقب میمانند. بدین ترتیب مدتها پیشوند که در دانشناهی مساله ای، سرمایه‌های بزرگ، است که در حل آن باید نهایت دقت بعمل آید.

(دوم) شرایطی دارد اقتصادی

برای آنگاه دانش و - دارگر فوری - بان - بتواند دار کند و کار او بازده کافی داشته باشد باید
۱- آماده کار فوری باشد

۲- ابزار گرداننده و فراهم باشد

۳- سرمایه کارگاه مستعد و مالوب باشد

۱- دانش بر باید آماده کار فوری باشد و در این مساله حقوق دانش و در بازار خوب دانشگاه مطرح میشود این حقوق و شناخت آن با انتشار منشور گزنویل تمام سندیکاهای دانش و فنی را بخود جلب کرده و فکرنوینی که مطابق آن دانش و در فعالیت اجتماع برای ادامه بقا خود شرکت میکند را بوجود آورده است. در مقابل کاری که دانش و انجام میدهد و از نظر اقتصادی با ابزار است دانش و فنی دارد که کمک مالی برای برطرف کردن این نیازها ریز مره این از دستگاه اقتصادی ملت به او آمد و این کمک در همه جای دنیا بصورت بورسها و هزینه های تحصیلی بدانش و داده میشود. این کمک مالی با ابزار نقشه بسیار بزرگ فکری باید انجام شود؟ از نظر طریز فکر باید گفت که این کمک با دستگیری از یک فقیر یا یک مرد غیر قابل اعتماد، شرفی نماند، باید داشته باشد نه دولت باید هنگام بحیریه باشد نه دانش و محتاج و مستمند. کمک بدانش و بستگی مستقیم بکار دانشگاهی او دارد و باین سبب نمیتواند و نباید تحت تاثیر عوامل دیگری قرار گیرد. و این به دانش و فنی را عادلانه ای قدر و برابری فنی سرپرستهای ما با دانش و فنی ایرانی در خارج، کمفرمات نماینده این حقیقت است که دستگاه سرپرستی این حق قانونی و ادیبی دارگران فوری جوان ما را حقوق نامیده است و قبول ندارد و به همین مناسبت است که کمک هزینه تحصیلی دانش و فنی را بهمانین نام دارد از قبیل ازدواج یا خیار بیا بدانش و فنی و غیره توفیق میکند. وظایف بزرگ نسبت دانش و فنی است که این طریز فقرا و فقیه و فخر خود را بنا بر این بنا نهادند

xalvat.com

بود است هزینه تحصیلی نسبت به نقشه ای و در چه چاره چاره بی باید صورت گیرد؟ قبول این مطلب که دانشجوی به شخص تبدیل خواهد شد و متخصص هم سرمایه است . روشن میدارد که امر آموزش بخودی خود يك امر عمرانی است و نمیتوان آنرا بیتر از این باهنگامات خصوصی و عقاید خودی وا گذارد . این امر عمرانی مهم نیز میباشد باینکه سایر امور از این قبیل از روی نقشه و با سرپرستی عمومی انجام شود بحیثیت دیگر آموزش برای اداره بهتر آن باید ملی شود و کلیه آموزشگاهها در داخل دستگاه فرهنگی سلطنت قرار گیرند . باید تصمیم گرفت تا امر آموزش را از جنبه خصوصی فعلی خود نجات داد و اجتماع باید نه تنها به دانشجوینی که اکنون مشغول تحصیل هستند که کند بلکه باید این نکت را به تمام جوانانی که میتوانند تحصیلات عالی خود را دنبال کنند عمومیت دهد . باید اقرار کرد که ذکر ملی کردن امر آموزش يك رفویم بسیار بزرگ و حتی انقلابی است از اینرو باید در تهیه زمینه لازمی برای پیش بردن این عقیده برآمد و سند یکالیم دانشجوئی کوشش برود و شوار بجهت دارد . اگر استقلال مالی باین ترتیب تهیه شد آنگاه اجتماع خواهد بود . در آن کارگر فوری جوان خود مصرا بخواهد که يك کارگر صالح و مفید و خوب باشد باین ترتیب دانشجو بخیر اجتماع و برای خدمت با اجتماع تربیت میشود . ملی کردن امر آموزش این عقیده مسموم و خطرناک که خیلی آبی است که فرزند يك دهقان در آینده دهقان شود را برای همیشه از بیخ و بن ریشه کن میکند و این امتیاز طبقاتی را واژگون میسازد . در واقع اگر برای تهیه نادرهای آینده سلطنت از طبقات پائین اجتماع یعنی پیش از خود در مد مردم نیرو گرفته نشود نه تنها خود کافر بران نخواهد شد بلکه موضوع بهتر و انسانی تری که عدالت اجتماعی است بنودی خود پایمال میشود .

ولی تا این استقلال مالی دانشجو اگر لازم است باید به موازات آن تضمین هم برای سلامت جسمی و روحی دانشجو قائل شد . بی توجهی بحال دانشجوین و در معرض خطر قرار دادن سرمایه فکری جامعه حاکمی از نادانی با لافهای نقشکی و سرگردانی است . امروزه بنا سبت آنکه هنوز در کشور مانده تحصیلات عالی در امتیازات است مکن است که ساله تضمین سلامتی دانشجو و زندگی آن مطلب آری نباشد ولی نباید از نظر دور داشت که در آینده دیگر این وضع باید آرنه خواهد ماند و وقتی کار دانشگاهی از صورت ارتق بودن غایب شد صیابست برای دانشجویمان آینده این جز وجود داشته باشد . باین سبب باید از هم اکنون و فوراً بقتور بران این نقشه بوده خواست که دانشجو در مقابل آزار و بیماری و وادش دیگر بنشیند جامعه خود بیه شود .

xalvat.com

(۲) ابزار کار برای دانشجو و باید فراهم باشد

این ابزار برای کار دانشگاهی بیزی جز شایخانه ها و آزمایشگاههای متعدد و مجهز نیست . هر اقدامی که بدانشگاه آزار دهد که وسائل فنی خود را تملیل کند و نقاشی خود را رفیع نماید از استقلال و صیراث مادی این خانه بزرگ اجتماع کوده است . بحث در این باره بر سر ابزار کار آن قسمت از دانشجویمان که در خارج از کشور تحصیل میکنند نیست بلکه ساله در داخل اجتماع ما و برای دانشگاههای صیبه ما صادر است . براین مورد سند یکالیم دانشجوئی مکنی بدین آنکه واثم و نیازمند بهای فوری اجتماع را فراموش کند نقشه وسیعتری برای آینده

پیشنهاد میکند • برای ساختن فوری باید دید که برای هر ساله هزاران نفر از جوانان ما در پشت در دانشگاهها سرگردان میمانند و قضا محدودی قادرند که بدانها این دوزخهای غیر قابل تصور راه یابند •
 بنابراین بهانه ایست که جا و ابزار کافی برای جلب نیروها، بیشتر نیست و این همان مشکلی است که از بهر تکرار شده دیررعی اثر تبلیغاتی بود را هم از دست داده است • تا زمانی که دستها و اقدامات اقتصادی مملکت با این سرمایه گزاران با بی‌بالی نگاه میکنند بر نهضت دانشجویی است که این ساله حاد را طرح کند و بجز دستگاها ندارد • بارزه برای گسترش تریه بیشتر دانشگاهها و تجهیز کردن آنها بوسه ها، زمین و زمین بر عمده ترین از روی فکر و دانشجو است • بیگاه این امر فوری را این نیروها نباید از نظر دور داشته باشند که دنیا را علم و دانش با سرعتی سرسام آور جلو میبرد و در این قافله ما از عقب مانده ترین ریان اریقیم • ولی دانشگاهیکه کثرتی هم انجام شد و مقدار زیادتری از جوانان بدانشگاهها راه یافتند از وقتشکل بدتر و سهمتری هم بر ساله سابق افزوده میشود • چگونه باید این نیروها استفاده کرد و در چه قسمتها و رشته های آنها را راهنمایی نمود ؟ اینها را باید اگر در طریقت مستقیم اگر کنندگان نقشه های اقتصادی است ولی نهضت دانشجویی هم وایفه دارد که این مهم ر مسئله نیروی و کثرت را نماید و از تراست دینی که فعلا بنام صدمات عالیه انجام میشود جلو آید نماید •
 (۲) تعمیر کار باید مستعد و بالوب باشد • xalvat.com

در این زمینه بالوب نیست. نمایند در با محترم دانشجو و معانین آزادی، افکار در دانشگاه و با همکاری استاد و دانشجو •

x* آزادی افکار - از غرض مهم کار دانشگاهی است • سنت قدیمی و باستانی که میتوان بهترین یادگار برای دانشگاهها در تمام دنیا باقی مانده است اینست که این خانه دهنر باید طاری و حافظ آزادی افکار باشد • این دلو فکر آزادمنشانه که دانشگاه مرکز تحقیقات و حیات علمی را مافوق تمام مکاتب و ردهها و سیستمها را اجتماعی نگاه دارد باید • فقط نبود • این حفاظت و مراست آزادی افکار از ولایت بزرگسندیکالیم دانشجویی است • دانشگاه همیشه در محض انطباقهای آزاده و مستقل بوده است • به همین مناسبت تا پاس روز در همه جا بعنوان بزرگترین مرکز آزادی در عالم برتر و زور و آثار رژیم آوار و نطقه شناخته شده است • در ضمن مقدمه دانشگاه برنوم عقیده و طرز فکر بلوید و وجود داشته باشد چه آنکه دانشگاه مرکز و محط جستجو و حقیقت است و جستجو حقیقت هم مانا دور که مشهور است با اشاره میکنند بزرگترین وایفه دانشجو است و در این راه چنانچه فشاری بر دانشجو معبر شود این امر بزرگ بود باید از همین بیرون و دانشگاه دیگر صورتی نامی بود را از دست میدهد •
 بیرون دینی دیگر است که قوای انظامی را در ورود بدانشگاه نیست مگر با اجازه ستاد دانشگاه و در انهم در صورتیکه آزادی افکار دانشگاهی بنوعی از آنها در نظر باشد • نهضت دانشجویی همیشه و در همه جا در برابر پایمال کردن آزادی دانشگاه بسیار حساس بوده و شدیدترین عکس العمل را در این مورد از

نشان داده است .

×× دانشجو و استاد - کار دانشگاهی چیزی نیست - تفریک مساعی استاد و دانشجو و قبل از هر چیز باید این فکر غلط را کویسد و رد کرده " در دانشگاه دانشجو کارگر است. استاد کارفرما و دانشجو بین آنان تضاد ایجاد میگردد " . در هیچ زمان و مکانی سندیکالیسم دانشجویی ایجاد سودا در مقابل عوین نمیتوان مایع نشناخته و اگر روابط بین سندیکاهای استادان و دانشجویان با بحال در دنیا وجود داشته است این روابط جز تفریک مساعی و همکاری چیزی نبوده و نمیتواند هم باشد .

برای دفاع از دانشگاه و میراثشای معنوی آن استاد و دانشجو نه تنها در دو جبهه مخالف نیستند بلکه در داخل یکسنگر و درکنار هم قرار دارند . این همکاری علت اساسی و اصلی استعکام و پایداری دانشگاه است و این یک دفاع دسته جمعی است که استاد و دانشجو از طایفه مشترک خود میکنند . اگر این همکاری وجود دارد بدلیل آنستکه استاد و دانشجو مردود خدمتزار علم و فرهنگ هستند و روی این اصل باید این تفریک مساعی در موارد زیادی عملی شود و گسترش پیدا کند . امروزه در دانشگاههای اروپایی رسم است که موفصیکه شورای دانشگاه در باره یک مسئله انضباطی راجع بیک دانشجو تصمیم میگیرد این تصمیم را با مسورتو نظر نمایندگان دانشجویان اطاق میبماند . این نمایندگان فعالانه در کار شورای دانشگاه شرکت میکنند . این بسط مفکری و همکاری نتیجه ای جز محکم تر کردن میانشی دانشگاه و حفظ یکپارچگی آن ندارد . این ارزش فکر را باید نهشتما بدانستگاه - ایران نفوذ بدهد و در راه - پیروز یک - نظام کامل بین استاد و دانشجو از هیچ اقدامی در نیاید .

۲ مشکلات ایجاد دانشجو

مساله فارغ التحصیلان بخصوص در اوضاع و احوال کنونی مورد توجه دقیق سندیکالیسم دانشجویی باید باشد . فارغ التحصیلانی که از دانشگاه بیرون میمانند امروز اغلب سرنوشتی نا معلوم دارند . با وجود آنکه دستگاههای مختلف، مملکتی چهار کمیون و متخصص هستند مملکت قدرتی جذب این فارغ التحصیلان و گماستن آنان بکار در آنها نیست . و علل آنهام بغوی معلوم و واضح است با این معنی که از طرفی مجتلهای موجود در دستگاههایی که سواره با صعولات تمدن و علم و فرهنگ رفیع آنها فعد اند ارشی شده و تغییر و تبدیلی در آن بعمل نمیاید و از طرف دیگر برای ورود با این دستگاههای اجتماعی تنها آرزوی علمی و معلومات فارغ التحصیلان کافی نیست و در بعضی موارد اصولا هم لازم نیست . بیشتر اوقات سفار بنامه ها و کاغذ بازیهای لاداری سرنوشت جوانان ما را معلوم میکند و نه آرزوی علمی و رضات تحصیلی آنان . این نظام غلط که ناسی بز بودوکراسی منقط و منقطع ندارد سد راه دانشجو و فارغ التحصیل است و بنا بر این صحت ندارد اگر این سد یکی از اولین نشانه ها و هدفهای مبارزه و بهکار دانشجویی قرار گیرد . بنظر میرسد که اقدامات آبروی که از طرف گروندگان دستگاههای مملکتی بعنوان " راه

حل " برای این مشکل انجام میشود بسیار کم. عملی است و در واقع در دریا شنا نمی بیند بلکه اثر را موقعا تسکین میدهد. با بررسی این اقدامات تبلی خود این نتیجه حاصل میشود که منظور اصلی مسئولین و مدیران بیشتر راضی کردن موقتی بلا تکلیفها و ناراضیهاست تا حل واقعی مساله فارغ التحصیلان. با اگر هم منظور این حال دولتی باشد راه حل درست باقی نمانده و عملا چیزی به تسکین موقتی درد منجر نمیشود. ضرورت علمی کارشناسان در اجتماع تا هنگامیکه یکه اقتصاد رهبری شده و با نقشه دران حکومت نمیتواند حور نمیکرد و بدین سبب نهضت دانشگانی در این مورد بلندفایده سازنده از دستگاه اقتصادی پیروزان و تامین کار و زندگی دانشجویان در آینده را از آن میتواند.

salvat.com

۳ مشکلات دانشجوی آینده

در این زمینه سند یکالیم دانشجویی مساله مدرسه را با شعار فرهنگ برای همه میگوید میکند. در اینکه هر فرد و عضو اجتماع خود استفاده از امر آموزشی را دارد امروز دیگر بحث نیست. دو ماده اثر مهم قانون اساسی ایران در این باره تصریح دارد و صلیما ترا امری سنگینی و در اختیار عموم میباشد. در یک سطح بالاتر و دنیاشی هم اعلامیه حقوق بشر در ماده ۲۶ خود این را برای کلیه افراد بشر بر رسمیت شناخته است. با وجود این صداد با سوادهای اجتماعی مانند اجتماع ما برحمت به ۱۲ درصد میرسد و موضوع مبارزه با بیسواد را نمیتوان یکی از حادترین مشکلات اجتماعی در مقابل نهضت دانشجویی ما در حد جدی. چه باید کرد؟

الف- اجرای قانون صلیما ترا اجباری ابتدائی با استفاده از کلیه نیروهای مادی و معنوی
ب- مجانی کردن صلیما ترا متوسطه.

دولت از مجانی کردن صلیما ترا متوسطه دادر ضرور زکوة از طرف دستگاهها و دولتی نیست. با برداشتن قیود و بندهای مادی متعدد است که نواوز را مجبور به ترک تحصیل میکند. ادارات رسمی دستگاه فرهنگی کشور ما نشان میدد که بعد از مصیبت ابتدائی بیش از ۱۲ درصد نواوزان نمیتوانند مصیبت متوسطه خود را ادامه دهند و این مطالب نامای بسیار زیاد که تنها مصیبت عالی نیست که امروزه در کشور ما بزرگ امتیازات قشرهای حرفه و اسوده است بلکه همان وضع با شدت که در صلیما ترا متوسطه هم جاری است. از آنچه تا کنون در این باره شده و بیشتر همین بر آید که نه فقط صلیما ترا متوسطه در صورت مجانی شدن قرار نرفته است بلکه عمل عکس را در روز بروز بیشتر ریشه میدواند و پیگیر میشود. صدای جدیدی که بنام "مدار علمی" - که از علمی بود و چیز نامی ندارند - مرتباً ساخته میشوند و در اختیار توانگران قرار میدهند نه تنها قادر به بر کردن کودکان کمبود مدارس سنگینی در کشور نیستند بلکه همین و آنطورها را بازم بیشتر در داخل اجتماع بر تفاقی دامن میزنند و عیبها را بیسازند. برای تمرکز دستگاه فرهنگی و تأیید استفاده ما این از بشو و اللوب و در دست اجتماع قرار دادن میبایست این "مدار علمی" را به معنای واقعی تکیه علمی کرد و در اختیار دستگاه آموزشی کشور قرار داد.

ج - اصلاح برنامه فکلی مدارس *

مشکل دیپلمه ها و لیسانس های بیسواد " که اخیرا در کشور سرریزها ایجاد کرده است و باعث این شده که فرهنگ دانشگاه یکدیگر را متقابلا متهم نمایند و مسئول این امر معرفی کنند مدرک محکم و غیر قابل تردیدی است در فرهنگ و بی اعتباری برنامه های فکلی مدارس *

برای حل این مشکل متاسفانه وزارت فرهنگ فقط بصورت " صحنه نامه " و " بالابردن سطح نمرات قبولی " اکتفا میکند و کنگره فرهنگی هم صمیم میگردد که ساعات تدریس و شرعیات را باید در برنامه مدارس زیاد تر کرد * پوشالی بودن آن فرهنگ و این کنگره احتیاج به اثبات ندارد * نهفته انجوشی با این مسئله بخیر که آینده کشور را مستقیما تهدید میکند با تکرانی غاصی میگردد * حداقل انصاف و شرافت حکم میکند که اگر دستگاہهای ما نقشه و طرح اضافی عقلی در این باره ندارند و اگر نمیتوانند خود معجز باشند اقل مقلد باشند و تا روزیکه چنین غاصی پیدا کنند با اقباس از برنامه های علمی کشور ای پیشرفته و اندیشه ان بر مدارس ایران صومعی موقت و موثر بر این درد بگذارند *

در کار ما این نقشه -

کار آموزشی و صلیب سازی بسیار از نقشه انجام آید * دستگاه گرداننده اقتصاد ملکت باید بدانند چه میخواهد و بکدام صنعت احتیاج دارد تا دانشجویان آینده را تقوی و ترغیب به دستیاری کردن آن رشته ها بنماید * بعضی دانشجو در رشته های مختلف علوم و هنرها مستلزم داشتن یک نقشه اقتصادی است و بعد از آن تا همین کادرهای آینده ملکت و رفع احتیاجات کشوری در مورد کارشناسانی که کمبود گمنی با تیشی دارند * اگر چه در سیزده ما در همه رشته ها و بمقدار قابل ملاحظه ای کمبود کادر وجود دارد و بنا بر این ساله بخیر دانشجو در رشته های مختلف شاید در حال حاضر مشکلی حاد و در درجه اول اهمیت نباشد ولی نباید از نظر دور داشت که در دستگاه اقتصادی نسبت با بکن دادن وضع موجود نمیتواند باشد * دستیاری نو با سرعتی سرسام آور بروز ترقی پیش میرود و مینماید برای جبران عقب افتادگی خود کشور تازه نیرو مآئده - و از جمله ما - کوششی بزرگ و محتملی تا پذیر بعمل آورند *

(توضیح)

XXXXXXXXXX

از بحث منطقی که در مورد مسائل صنفی و علمی بعمل آمد نتیجه میتوان گرفت که سندیکالیسم دانشجویی باید فعالانه در همه قسمتهای سیاست فرهنگی دولت فعالیت کند و این فعالیت و شرکت در سامان دادن به فرهنگ کشور را از اولیای مهم خود بشمار آورد *

xalvat.com

ب - مسائل اجتماعی

دانشجویان در فعال اجتماع استوار حاشیه ان زندگی نمیکند * در جامعه ما ایران هم تقاضاها و مشکلات کار دانشجویان مشغول و جدا از مشکلات جامعه ایران معنی و مفهومی نمی تواند داشته باشد * بالله دفعه اول این جامعه همه را با علاء در صریحی و درماندگی ما آشنا مینماید *

ما دانشجوییم ولی در همین حال جزئی از جامعه ایران هستیم و همراهی با اسام، وجودی در بین جامعه ای
 ارتباط میباید علاقه و کنجکاوی ما را هم برمود میطلبد .

حرکت و کوشش و کوشش در سامعین ایران نردا وظیفه ایست که بما واگذار شده است و از اینرو دفاع از منافع
 دانشجویی نمیتواند جز عدالتی از برنامه ای ما را تشکیل دهد . مطالبات ما با روز روشنفکران ایران
 نخواستند اند به نوعی در تائید عظیم مردم کشور بود شرکت جویند . ایشان همانند روشنفکران سایر کشورهای
 فرو مانده از جامعه خود دور افتاده اند و با مردم اسپهقه نیستند . آنه از عادی ایشان شداند و نه
 در مابم آنان سوگوار . این روشنفکران دور گزیده از محبوبید زندگی مردمان بجز ندارند و با درد و
 رنج آنان بیگانه اند . بدتر از سه آنکه همین روشنفکرانند که باید مبعثر و تپهه کننده طرهای
 اصلاحی شوند و بر درد آنان که نمیتوانستند مردم گذارند .

xalvat.com

روشنفکر با تکیه علم و دانشی که دارد چون بود را رنگین تر از خون دیگران میدانند و
 میپندارند که همه عزیز و بزرگواران دارند و نامش را با حرمت و نیکی یاد کنند . مردم هم که بزندگی و
 رفاه بود دلپسندند در روشنفکر همین بیگانه از نظر میکنند و کفتار و کردار را باور ندارند . درد
 جدایی روشنفکران از جامعه و بیگانگی ایشان با مردم از دردها بزرگ و شاید بزرگترین آنهاست .

سازمانهای دانشجویی با پرداختن به مسائل اجتماعی میتوانند در درمان آن کوششی معهودی
 بنمایند و این وظیفه مقدس برای آنان میسرورت تاریخی و اجتناب ناپذیر است . معذرت باید یاد آور شد
 که معهود از پرداختن به فعالیتها و اجتماعی دست بازیدن سیاست و الهیده سخن بمسائل سیاسی روز نیست و
 تردید نیست که اسام بر فعالیت صنفی و شراف موفقیت و پیروزی آن دور و جدایی از سیاست و بیطرفی در
 مسائل سیاسی روز است .

در تاریخ چنین نامی سندیکائی اعم از کاذب گریه و غیور کاری عده ای بران بوده اند که فعالیت صنفی اصالت
 ندارد و اصالت آنها از فعالیت های سیاسی است . بنظر ایشان اتحادیه های صنفی میتوانند فقط وسیله
 ای برای تبلیغ و اجرای برنامه های سیاسی باشند و مقصد ای بر شروع کارهای اساسی سیاسی .
 برای اینکه این موضوع یکبار برای همیشه حل شده باشد اعلام میکنیم که چنین نظری نمیتواند صاحب باشد .
 فعالیت صنفی در او منظور دارد که بکلی با ... و منظور جنبه و جوشهای سیاسی متفاوت است . رفته از
 دامن وید صنفی وابسته بودن بیگانه تر از آن برای حرکت در فعالیت های صنفی است در حالیکه اسام
 فعالیت های سیاسی با منتهی فکر و رویداد و تفکر است و نظر است و نظر است که برای حفظ مزه بیشتر وحدت عمل
 دانشجویی عدم دالت در سیاست و بیطرفی سیاسی باید اسام کار هر ما زمان دانشجویی باشد .

اما پیروز از این اطراف دالت در اجتماع و فعالیت های اجتماعی منافات ندارد . تفریح
 مناسی "جامعه" و مقامیم "اجتماع" در این حاضر اختلاف عظیم فعالیت های سیاسی با فعالیت های
 اجتماعی را روشن میسازد . نمایندگان ملت های جهان کوشیده اند تا خاص و صفات جامعه بشری قرن بیستم
 را ابق اولی که پایه قرار داده اند همین کنند و آنچه در همه جا باید بشود را از آنچه در همه جا
 نباید بشود صبر دهند و از همه جهانیان رعایت و برقرار در بین اصولی را بخواهند . این اصول در " ...

اعزیه حسود، بشر که کار سازمانهای بین المللی بر پایه ان استوار است روشن گردیده است. جامعه کمال مطلوب در قرن ما جامعه ایست که بر اساس انسان دوستی و ایمنی بشری برقرار باشد. جامعه ایست که در آن بنی آدم که در افرینش زیاده گویند بدرستی اعضا یکدیگر باهند و با پیگیری عنوری قرارشان نماند. جامعه ایست که در آن هیچکس را توان از نباهتاید یا ران بزرگی و حکمروایی بشود. همه مردان را بر زنان - نه مالکین را بر عوام یا ستمه اشراف را بر عوام و نه سیدان را بر مسلمانان - اعزیه حاد، بشر روشن میدارد که انسان با لثغه مدغم است و کسی را حقان نیست که بحکم زود وند ادبی را در بند نگذرد و سراو بهره مندی از تمام با قسمتی از مزایای حیات انسانی را منع کند. اعلاسه حقوق بشر یکیده میراث معنوی فرهنگها و تمدنهای گذشته است که برای نسلهای حاضر و آینده بپایا گذاشته شده است و ازینرو میتواند چارچوبی باشد که حدود فعالیتهای اجتماعی دانشجویی را معین نماید.

چنین فعالیتهای دانشجویی ما را با جنبه های گوناگون جامعه امروز ایران آشنا میازد - درصدا را با و بهنما یازد و بیستجو در مسائل نگریند. همچنین کوششی دانشجویی از بند افغانهای پیچیده دیها و در جهان دیروز و امروز رهایی میدهد و از تلخی واقصیت و حقیقت بر خوداری میکند. اما این تلخی حقیقت و اهمیت صوفی منشی موضوعی را بدنیال نمیکند. هرگاه تحلیل علمی و صمیم مسائل و مشکلات اجتماعی نویسدکننده نیست. نویسی و مراسم زائیده تنهایی خانقاه و میخانه است و جامع و نکلشهای اجتماعی اگر شکسترا میباشند با نویسی و یاس کاری ندارند. عالم و معلق حیات و ماست و مستی و تنگی را در کنار هم و بهمراه هم مطالعه میکند و صانطور که امروز وجود زنده مرکز را در خود میبرداند و مشکل اجتماعی هم راه ظاهر بود را بدنیال میازد. تنها باید دانست که در حل چنین مشکلاتی اعتماد و اراده و حرکتی نیز غرب موثر و لازم است. جامعه ما به بهمراه وجه نتواند پیور است که روزی زنان را ازادی بدهد اما کوشش و تلاش و دلیری ما قرار سیدن چنین روز موعودی را نزدیکتر میکند. از اینرو است که چنین فعالیت دایی نوید آینده ای توین و بهتر از گذشته را در دلها میاندازد و ما را بشوخی امیدواری علمی و زنده مرحله دانشجوی دوران ما بصورتی اگر از اجتماعات عقب افتاده باشد دیگر چارچوب فعالیتهای حلقه و بی بهشم و کشته عدد ابتدای قرن را کافی نمیداند. او افق دید وسیعتری دارد و مسائل عالمگیری جلب میشود. برای او دیگر سازمان منشی آن نیست که مجلس جشنی برپا کند و ساز و دهل را به یاد آرد و همین بسنده کند. او عهد سیدان صددی که او را از جامعه ام جدا میکرده است بکلی درم شکسته و بنقل تاریخی و مسئولیت بخایر نمود پی برده است.

پس در آمد این انقلاب فکری و معنوی عقیده بدانچندوم جهانی با انتشار " منشور گرنویل" از طرف دانشجویان مغربی فرانسه ساز گردید. دانشجوی " کارگر فکری جوان " خواننده عد و حقوق و مزایایی در برابر وظایف سنگین خود بدست آورد. او به عضو اجتماع شفاعت عد و دیگر آن حالت مجزا و در حاشیه اجتماع بودن خود را از داد. او کم کم به وظایف دشوار خود اعتنا عد و دیگر از آن بهم ندانست که مسائل اجتماعی را مطالعه کند.

مؤلف این معنوی فکری اساسی و انقلابی که در بهار ده سال پیش رابطه دانشجویی با اجتماع را دگرگون

کرد و اثرات از زمان حاضر در بعضی موارد به نفع دانشجو در جامعه و دولت است، و جواب کافی و قانع کننده نیستند. تحول اجتماعات و تناقض جوامع پهنتر شده و عقاید فاعده امروز بعدی رسیده است که حتی در صف دانشجو هم ایقاعات، هویدا و آشکار است. اگر در کشورهای رعد یا فقه و شمعی دانشجو فقط يك کارگر فکری جوان است در مالک، کم رعد و فرومانده او بهر از پله کارگر فکری جوان است با اگر هم این باعد وظائف مهمتر و دشوارتری بر عهده دارد. اما پیشها و مشاهده است روزمره ثابت میکند که دانشجو-مان و روشنفکران این مالک کم رعد و توسعه در عین حال بزرگترین نیروهای اجتماعی هستند و همچگونه تحول و ضمیر اساسی اجتماعی بدون دخالت آنان صورت نمیگیرد. ایشان را که در وادی جهل و بیسوادی اجتماعات تنها دارندگان چراغ علم و دانش هستند. پرداختن به مسائل اجتماعی حق نیست بلکه وظیفه است. اگر دانشجویان روشنفکران و باسوادان هم از مطالعه امور اجتماعی محروم باشند پس چه کسی صلاحیت این کار را خواهد داشت و چه دستهای در تجارت این جوامع علمدار و پیشرو شناخته خواهد شد؟

اما این علامه به پرداختن به امور اجتماعی و مجزیبه و تحلیل مسائل که جوامع دانشجویی ما را از امروزه در همه جهات جذب و جلب کرده است از طرف، آنانکه بر مسند راهبری و هدایت جامعه تکیه زده اند تا بحال یا احلا دران نشده و یا بد فهمیده شده است. " دانشجو باید فقط درس بخواند و در سیاست دخالت نکند " جمله ایست که همیشه مثل شمشیر دموکلس در گونه نهضت دانشجویی را در میهن ما تهدید مهمنوده است و در این مورد معتقدیم، دانشجویان و گردانندگان دستگاههای مملکتی، سواره وجود داشته است. عده ای از مدرثینان دستگاه پدران به دانشجویان نصیحت میکنند که چون آنان جوانند و بی تجربه به بسا که در راه پر پیچ و خم سیاست دیار اعیانهای جبران نا پذیر روند و بر روی دیگر پاره از اینهم در راه نهاده جنبیه ماضی کوتاه ترن برای متطلبین قائل میشوند.

دانشجویان هم، دستگاه زیر بار این متغیر و آن تصایح پدران ترن رفته اند و اصولاً چون هیچکدام از دو طرف زبان یکدیگر را نمیفهمند تا بحال بحث مفید و مستدلی که نتیجه ای حاصل کند صورت نگرفته است. برای آنکه روشن شود که دانشجوها - ترا چگونه معنی میکنند و از آن به میفهمند بعنوان دانشجو این بحث را در اینجا بهمان میکنیم و مجزیبه و تحلیل میکنیم.

salvat.com

اول - بعنوان فرد دانشجو خواهد بود هر نوع فکر و ایده شولوی بخصوصی را که راست و درست تشخیص میدهد اختیار کند و این حق به انسان اعم از دانشجو و غیره دانشجو از طرف، اعلامیه حقوق بشر اعلا شده است. (بند های ۱۸ و ۱۹ و ۲۰ اعلامیه حقوق بشر) منشور گرنویل جمعجوی حقیقت ترا مائس ترین وظیفه دانشجو میباشد و چون همایلا و گرایش به طرف فکر معینی در جهت جمعجوی حقیقت است این حق و حتی وظیفه برای دانشجو حفظ است و نه صمیمات اولیا. امور و نه صورینافه ها و بهرنامه ها، هیچکدام قادر نخواهد بود که این حق مسلم بشری را از دانشجو سلب کند.

دوم - در سندیکی دانشجویی هم وجود افکار گوناگون و عقاید متغلفه تنها اینم و شرعی است و بعنوان عقیده فردی، دانشجو مدترم شناخته میشود. معذله در کارهای دسته جمعی سندیکار، دانشجویی نمیتواند و نباید نسبت به مسائل سیاسی روز یا دستجات سیاسی روز متاخذ یا موافقی اخطاف نماید

چه انطور که در بالا بیان شد سندیکا حزب یا یک تشکیلات سیاسی نیست و بحث و امضا صمیم در این مسائل و مدت جریان سندیکائی را متزلزل مینماید. پس معنی کار سندیکائی بیطرفی در سیاست است ولی معنی غیر سیاسی بودن این نیست که دانشجویان خود را از ملت خویش جدا سازند و وظیفه‌گویی جز ادامه مسیر برای خود قائل نیابند. نهضت دانشجویی در جهان نوین نمیتواند در مقابل مسائل مهم اجتماعی ولو موقعا رنگ‌سلسی هم بیان زده عده باشد سکوت کند و صاعقهی بماند. سندیکالیسم دانشجویی موافق است که از کپیید، بورژوازی و دانشگاه سخن بمیان میآورد در واقع سیستم فرهنگ را اذیت نماید میکند. و در نتیجه از تلفات انرژی و نیروی جوانان بمقاومت فقدان محل و ابزار کار برای حصول صحبت میکند اقتصاد مملکت را محکوم مینماید زمانیکه تقاضای کمک و بودجه زیادتر برای فرهنگ دانشگاه میکند به بهیملانگی اولیا. امور خود را می‌بازد با مردم اعتراض میکند و هنگامیکه مجابره مینماید تا به بیخ‌ریختن آنها و دانشکدهها بروی همه افراد باز باشند از اینکه مردم اجتماع خود دفاع میکنند.

تذکره مسائل صرفا منفی از مسائل اجتماعی محصل و بهره‌بردار فکر کشته عده و عقب‌افتاده است که معاصرا تملق در جامعه بزرگ‌ترهای ما خرید و طرفدار دارد. در مقابل تعارض پدیده این بزرگان فهم که هنوز بعضی از مسائل برایمان باور نکرده‌ای یا در فهم است فقط تذکر مینماید که در جنگ‌های اخیر نهضت دانشجویی فرانسه بمناسبت آنکه بردهای اجتماعی را وظیفه خود میدانست و از آن کتابه‌گویی میکرد محلی زود مورد استفاده اشغالگران میهنشان قرار گرفت و از آن خریداری ساخته شد که مستقیما در کار ملت و نهضت مقاومت ملی فرانسه حرا بگانی بعمل میآورد و اگر روشن بینی، تفکار و لیاقت عوامل فعالی جلوی این سقوط و انحراف را نمیگرفت امروزه دیگر از سندیکالیسم دانشجویی آنان نه نمانی بجا بودونه نمانی. بیشتر گرنویل که در سال ۱۹۴۶ بلافاصله در دوران عدم جنگ قدریم حد مظهر پیروان اندن دانشجویان و انقلاب فکری آنان بود و عوامل مترقی آن نهضت که پایه گذاران این تحول فکری بودند در باره این بی‌علاقگی و بی‌فیدی نسبت به اجتماع از تورا اینکه در سیاست‌ها استعداد اعلام کردند که این طرز فکر همیشه مفکوره اغلب حاکی از عوام فریبی و بهیملانگی و گاهی یک‌جملات است. این جمله بیان کننده احساسات و فکر مبروی پیروان عده عظیمی بود که در سخت‌ترین لحظات تاریخی داعیه به برتگاه نیستی در می‌نظرید.

پس بر این غیر سیاسی بودن سندیکائی دانشجویی نمیتواند بهیملانگی بی‌نیالی و عدم توجه بمسائل اجتماعی معنی بدهد. امروزه تمام این بحثها در مورد دانشجویان و سیاست و اجتماع با آنها رهنده است که راه حل زیر برای آن یافته شده است. راه حلی که مورد قبول تقریبا کلیه نهضت‌های دانشجویی است و میتواند مورد تأیید و قبول ما هم باشد:

xalvat.com

غیر سیاسی بودن سندیکالیسم دانشجویی یعنی استقلال و عدم وابستگی آن بملک‌خویش
با بزرگ‌جریان سیاسی.

بدین ترتیب مسائل اجتماعی در حوزه فعالیت‌های دانشجویی جایی بزرگ را اشغال میکنند و در برابر آنها مسئله نیروی جوان یا بزرگترین ذخیره انرژی اجتماع قرار میگیرد. بعنوان پیش‌هنگام نیروی جوان نهضت

دانشجویی به‌عبارت تربیت نیروی جوان کشور توجه بوضع مادی و فکری آن - رسیدگی به بهداشت فعالیت‌های
حضری و حرفه ای این نیرو و شرکت‌سنظیم جوانان در امور مربوط به خود مبارزه‌ای عدلی و طولانی در تلاش

ج- مسائل بین‌المللی

در یک سطح عالیتر و دنیایی دانشجویان روشنفکر و طاقی پمیده دارد که دنیای آنان
دانشجویی با تا بحال با آن خاصی نداشته است. با وجود این باید اقرار کرد که دانشجویان سایر
کشورها و بخصوص کشورهای پیشرفته تا بحال قدمتی بزرگ در راه وجود آوردن یک اتحاد وسیع دنیایی
بین تمام دانشجویان جهان بر داشته‌اند. این قدمها گاهی همراه با موفقیت و زمانی توأم با شکست
بوده است. محذرتی چون همکاری بین‌المللی و تأمل و تبادل افکار و آراء بین دانشجویان کشورهای مختلف از
خلل تمام مطلق عقاید و افکار در کلیه تفکلات دانشجویی دنیا هنوز نسبت نامورده و محفوظ باقی مانده
است. در این بعد از آنچه در گذشته شده مختصر تاریخچه‌ای بیان خواهد شد و بعد از آنجه باید نفوذ سخن
بسیان خواهد آمد.

۱- آنچه تا بحال شده است.

ساریجه مختصری از سازمانهای بین‌المللی دانشجویی و نکات برجسته آن -

- x اولین تفکلات بین‌المللی دانشجویی در سال ۱۹۱۹ بعد از غم جنگ اول جهانی بوجود آمد.
- نام این سازمان اول "کنفدراسیون دانشجویان متفقین" بود ولی در سال بعد در کنگره پراگ این نام
به "کنفدراسیون بین‌المللی دانشجویی" تبدیل شد. با وجود این تنها شرکت کنندگان در این کنفر
راسیون سازمانهای دانشجویی اروپایی بودند. کار کنفدراسیون بررسی مسائلی از قبیل مسایلات
دانشگاهی تابستانی و زمستانی (که تا امروز هم ادامه دارد) مسافرتها و کنفرانسهای فرهنگی و علمی و
روزنامه‌ها، دانشجویی بود. تا زمان جنگ دوم جهانی کنفدراسیون از همین ورزش و مسافرت بافراتر
نگذاشت. در سال ۱۹۲۹ با شروع جنگ این تفکلات بکلی از هم پاشید و سعی آن گفت‌برای همیشه مرد و مدفون شد.
- x بعد از جنگ کوششی که از طرف رهبران کنفدراسیون سابق و بخصوص دانشجویان فرانسه که
موسران بودند برای احیای این کنفدراسیون بعمل آمد بر نتیجه ماند. در واقع این طرز فکر قدیمو بی
عینالی دانشجویان بود که مرده بود. دانشجویی بعد از جنگ طوری دیگری فکر میکرد. او برابیهاء جنگ و
کشف شدن میلیونها انسان ممنوع بود را بهم دیده بود و هنوز به خاطر داشت و بنا بر این عینلی طبیعی بنظر
«برسید که اولین اشغال فکری در ملوکاگری با تمام قول از «باجنگ مجدد و دنیا نراب کن باشد» دفاع
از صلح» که بقیمت بین میلیونها انسان برداشته شده بود کم شمار عمومی دانشجویان شد و روی این
شمار مسکاتی بود که شالوده تفکلات بین‌المللی وسیعی بنام "اتحادیه بین‌المللی دانشجویان" ()
راهبده شد. اتحادیه بین‌المللی دانشجویان در میان شور و هیجان آنزمان به‌عبارت بعد

روابط بهشتی بین دانشجویانی که از جنگ با نازیها پیروز شده بودند و برای نگاهداری و نگهداری صلح بودند. و آنها در واقع گوشه ای بود از صکامی بین المللی زمان جنگ که ظاهر آن در سازمان ملل متحد و یونسکو بیستم سپتامبر ۱۹۴۵ کنگره موسساتی برای پایه ریزی اتحادیه بین المللی در بران تشکیل شد و تاریخ ماه اوت ۱۹۴۶ را برای اولین کنگره تعیین کرد .
 در ماه اوت سال ۱۹۴۹ نمایندگان دانشجویان کشورهای مختلف از امریکای شمالی و کانادا گرفته تا اروپا و آسیا و کاروبور در آن کنگره حرکت کردند . در نودای پیروزی بر نازیسم خود و همچنان واحصیات در میان دانشجویان انقدر زیاد بود که شمار دفاع از صلح در سرتوجه بر نامه اتحادیه بین المللی قرار گرفت و تمام صصیات کنگره با اتفاق آراء گرفته شد .

اتحادیه بین المللی در خود را اینطور صریف کرد : " مقبول دانشجویان بدستداعفن و دفاع از صلح جهانی - کمک به تمام دولتهایی که بر ضد آخرین بقایای عقاید نازی مبارزه میکنند - مبارزه علیه هر نوع جنل علم و دانش و تحریرهای غلط بر تری نوادی - کمک بدانشجویان کشورهای مسخره در مبارزه خود برای بدست آوردن استقلال و آزادی ... " . صصیطوط صصم گرفته شد که اتحادیه از ندراسون جهانی جوانان دموکرات مستعقل، بماند و مرکزیت و قدرت زیادی بر بهران آن واگذار گردید .
 دانشجویان پنج قاره جهان که در این کنگره حرکت کرده بودند با این ترتیب با کمال هوش با اعضا ن نسکامی دست زدند که بهیاز همه با پدار و براب تعدتی میباید . مسافران آینده نشان داد که آن استعکام و با پذاری انقدر مهم زیاد نبود .

xalvat.com

x ۱۹۴۸ بحران شدید در اتحادیه بین المللی -

چندسره بین کشورهای بزرگ و بهشتیانی بدون قید و شرط در بهران اتحادیه بین المللی از یکی از دویلوک سیاسی امروز ... سو* نیت بعضی از دبیران دانشجویان و عوامل زیاد دیگری این بحران را بوجود آوردند . اتحادیه بین المللی در این مدت و حتی تا سال ۱۹۵۰ تمام هم و کوشش خود را صرف تبلیغات برای دفاع از صلح کرد . در مسائل سیاسی روز بدون چون و چرا صصیمات یکی از دو بلوک سیاسی را حویبه و اجرا میکرد . دانشجویان را با مضا* بیانیه استعکلم دعوت صصیمود و همراه دیگری را برای دفاع از صلح محکوم میکرد و اثرات یک قدم بطرف جنگ صصیر میکرد و نسیسه حکومتهای سرمایه داری میخواند . نقشه مارشال را بعدت محکوم کرد و اثرات یک قدم بطرف جنگ صصیر نمود . در باره کندهای پراک در ۱۹۴۸ اصلاصدا بر نیابود در حالیکه چند، بعد دانشجویان یوگوسلاوی را با عضویت از اتحادیه اجراج نمود و این امر بعنوان بزرگترین خطای اتحادیه بین المللی جنجال بزرگی بر پا کرد و دانشجویان بسیاری از کشورهای را بر ضد دستگامی که کاملاً رنگ سیاسی گرفته بود شوراند . چرا اتحادیه بین المللی را بحریان سیاسی بخصوصی اداره میکرد و این اکثریت از کجا بوجود آمد دودلیل مهم بران وجود دارد :
 اول، آنکه دانشجویان کشورهای بلوک شرق صصکل تر بودند و در ضمن طرز فکر سندیگامی ازاد

هم نداعند .

دوم نظر باینکه عده نمایندگان دانشجویی هر کشور با عده دانشجویان آن کشور نسبت مستقیم
ذات نمایندگان شوروی و چین پیشنهادی اکثریت مطلق را در اختیار داشتند و علاوه بر آن دانشجویان کلیه
کشورهای اروپای شرقی و بعضی از ممالک مستعمره هم از آنها پیروی میکردند .
در بحال سال ۱۹۴۸ سال بحران بود . نمایندگان دانشجویان آمریکا سوود نروژ فنلاند و هلند و
چندی بعد نمایندگان کشورهای انگلوساکسون از اتحادیه بین المللی جدا شدند . در سال تحصیلی ۱۹۴۹-۵۰
اتحادیه ملی دانشجویان فرانسه هم استعفا داد . این استعفاهای دسته جمعی باعث تضعیف اتحادیه بین-
المللی شد و به همین مناسبت بعدها در بران اتحادیه را در مقابل مجله مطلقه شدن اتحاد جهانی دانشجویان
و ادار به واقع پیشرو نویی بیشتری کرد .

xalvat.com

زانویه سال ۱۹۵۲ -

پس از کوششهای زیاد ولی بی ثمر که از طرف نمایندگان مسخفی برای متوجه کردن رهبران
اتحادیه بین المللی با تیرانات گذشته آنها بملامت و بی نتیجه ماند . بدعوت اتحادیه دانشرویان
اسکا تلند . این نمایندگان مسخفی در شهر ادیمبورگ دور هم جمع شدند و چون تصمیم گرفتند که دنیای
دانشجویی را بهتر از این مجزیه کنند پیشنهاد تاسیس یک سازمان رسمی دوم را رد کردند ولی نسبت به ترویج
یک نوع اصطلاحاتهای بین المللی زدند که بعدا باسم " کنفرانس بین المللی دانشجویان " (C. I. E.)
مشهور شد و دبیرخانه این کنفرانس در شهر VEIDEN در هلند مستقر گردید .
این دبیرخانه بیشتر تحت علامت اختصاری (COORDINATION, SECRETARIAT)
شناخته میشود . روش کنفرانس بین المللی لیبرالیسم بیحد و حساب و هدف آن اجتماع کلیه دانشجویان
اعلم گفت . این کنفرانس که پایه گذاران آن دانشجویان کشورهای اروپای غربی و بلور عمومی تر دانشجویان
کشورهای عضو پیمان اطلس تیک شمالی بودند در بدن تاسیس رفتند . ۲۰ سازمان عضو داشت . ولی بواسطه اینکه
هر نماینده و طرف قدری در داخرا آن حق وجود داشت و تدریس لیبرال در آن پیروی میدهد بزودی سازمانهای دانش
- جوشی دبیری هم بان پیوستند یا اینکه در سال ۱۹۵۲ نمایندگان پنجاه اتحادیه ملی در کارهای
کنفرانس شرکت میکنند . کشورهای جدید مصلوب به آمریکا ، جنوبی - آسیای جنوب شرقی و افریقا هستند .
ولی در مقابل این لیبرالیسم عیب و دستگاه لیبرال دیگر هم در کنفرانس بین المللی وجود دارد و آن
عدم جنبش و فعالیت این دستگاه است . بنابر از تشکیل یک کنفرانس در سال که در طی آن نمایندگان
سازمانهای دانشجویی از هم دیدن میکنند و احیانا با نظریات یکدیگر آشنا میکنند . کنفرانس بین المللی
کار مهم دیگری انجام نمیده و در واقع این بی بند و باری کنفرانس بین المللی نقادان متقابل و عکس العمل
ایبسی آن معنی و تکرار برودن اتحادیه بین المللی است .

در همان سال ۱۹۵۲ اتحادیه بین المللی بول جدهای دانشجویان را حریرد و برای جذب اعضا مسخفی اقدام
نمود و در سال بعد (۱۹۵۲) در کنگره ورغو در اساتنا ، نمود جنبه پراستهمی . ادو زیننه را طورو فراهم

آورده که برای صایلات ممالک، هم حق اظهار عقیده و شرکت در ارگانهای اتحادیه بوجود آید. • معذک
 در بیان اتحادیه بین المللی بهداشتهای گذشته خود اعتراض نکردند و حاضر شدند که کنفرانس بین المللی را
 برصیت بنهلسند. • هنوز آنرا از افریدمشدگان سرمایه داری نمیتوانند.

× ۱۹۵۵ -

بعد از کنفرانس در آن دول بزرگ در زو اتحادیه بین المللی شروع به نرم شدن کرد و در سال بعد
 (۵۶) دیگر ادعا نمود که نماینده تمام دانشجویان جهان است. • از دفاع از صلح جز در مواردی اخطافی و نادر
 سخن نگفت و در سوکراسی را کم کم بداخل دستگاه متصد خود راه داد. • معطف یا فتن جنگسرد بین دولتهای
 بزرگ. • قوس مصودی کنفرانس بین المللی دانشجویان. • ارزش فکر معمول یافته بعضی از رهبران فواعتفکر
 اتحادیه بین المللی همه از عوامل این تشبیر روز بود.

xalvat.com

× امیرا صایل با اتحاد و برقراری مجدد اتفاق کلیه دانشجویان از هر دو طرف زیادتر شده است
 ولی کنفرانس بین المللی که در سال ۱۹۵۲ نهیو است یا تفکیلات رسمی دوم باشد اکنون با بنجاه اتحادیه
 عضو موجود در قدرت بزرگی میداند و معتقد است که اتحادیه بین المللی یا سی و هفت اتحادیه که عنوان
 هستند باید با و ملحق شود. • از طرف دیگر اتحادیه بین المللی که زمانی تنها تفکلات بین المللی
 دانشجویی بود نمیتواند بسادگی در مقابل رقیبش از بین برود و با آنکه صایل با اتحاد از هر دو طرف اعلام
 میشود بن بستنی روشنی فضا بوجود آمده است. • شاید اگر روزی جنگسرد در دنیا معطف باید و مطامعات
 سیاسی قطع گردد اتحاد از دست رفته دانشجویان دوباره برقرار شود.

۲- آنچه باید بشود: • بین المللی دانشجویی

بهمان نگر که انترناسیونال کارگری برای کمک به نهادهای کارگری ملی بوجود آمد. • بین
 المللی دانشجویی هم برای کمک به سندیکاهای دانشجویی در تمام دنیا میتواند بوجود آید و تا بحال
 بوجود آمده بود اگر اشکالات سیاسی و تفرقه بین دانشجویان پیش آمد نکرده بود. • ارزش فکر بین المللی
 و انترناسیونالیست از توانایی دانشجویی است. • برای دانشجویان مهجورتر امور علمی و فرهنگی و
 روزی وجود نداشته است. • او همیشه فتنه شناسی کشورهای دیگر و اغشاشی یا تمدن و ترقیات علمی آن
 اجتماعها بوده است. • از طرف دیگر دانشجویان کشورهای مختلف زیاد مسافرت میکنند و مسافران با دانش
 جوان دیگر کشورها بسیار است. • همه این عوامل در جهت توافق بوجود آمدن بین المللی دانشجویی است.
 • لذا بوجود بلوکها، مطامع سیاسی. • در یک سطح قرار نداشتن تکامل و تحول تمام نهضتهای دانشجویی
 دنیا و بالآخر عدم سابقه و تجربه در این راه هم اشکالاتی هستند که حقوق بین المللی
 دانشجویی را بتامیر نمیتوانند. • بخصوص که سندیکاهای کارگری هم سرمنشوبی در این باره نبوده اند.
 • میتوان گفت که مسائلی چون کمکهای بهداشتی و علمی به کشورهای کم رشد و توسعه. • تبادل فرهنگی و

و علمی همین کشورها - ترتیب و تشکیل مسابقات دانشگاهی و امثال آن پایه حافی هستند که میتوانند مورد قبول کلمه سندیکاهای دانشجویی باشند و بنا بر این حرکت همکاری بین المللی دانشجویان •
 برای ما دانشجویان ایرانی اگر چه مسائلی از نوع همکاری بین المللی بسیار مهم و بزرگ است معذرتاً، با سعی انرا در درجه دوم اصیت قرار داد • در درجه اول ما هم و کوشش خود را میباید صرف بوجود آوردن اتحادیه ملی دانشجویان ایران با شرکت همگانی دانشجویان و در يك بازوب و طرز فکر سندیکاهی نو کنیم • آنچه مربوط بدان دانشجویان ایرانی در اروپاست با ما به گذاری کنفدراسیون دانشجویان ایرانی در اروپا • لزوم رعایت شده و باید امیدوار بود که بزودی تمام و کامل شود • اینک میباید موازی با این سعی در تکامل و بسط کنفدراسیون توجه دانشجویان ایرانی در آمریکا و در دانشگاههای ایران را با این شعار همگانی " تاسیس اتحادیه ملی دانشجویان ایران " جلب کرده و در این راه از صبح کوشش و اقدامی فرو گزاری ننمود •

xalvat.com

پایان

طوفان سیاه

وقتی در کالبد يك جامعه روح دمیده میشود از کفش و اعزیزش تا مطرب و رقاصه فرحیگی بهای میخیزند و این نشانه حیات گرفتن و بیدار شدن ایستو ضامن توفیق و سعادت او •
 از کوبا تا مصر این کالبدها برپا مانده اند و در برابر در هیولانی مشغول که تا چندی پیش چیز یکدیگر را نمی دیدند مردانه ایستاده اند • این روح در افریقا نیز سخت تیر و سوز است • افریقا که تاریخ انرا سرزمین بردگان نامیده بود امروز صحنه خونین ترین بیگانه گشتی است که تا کتون انسان به خاطر آزادی بدان دست زده است • و در این میان سهم جوانانیکه با قلم بیگار میکنند از روشندگان افکار کوضعاتها و مجادان پشیمان شهرها کمتر نیست •

xalvat.com

چندی پیش مجموعه ای از آثار برای جوان سودان را دیدم که مطالعه آن برای هر ایرانی هم حقوق تکبیر است و اسرار • بوژن و سبک و هنر شاعری آن کاری نداردیم • آنچه برای ما همچنان اوج است و روح مصر است • این روح روح نسلی است که میکوشد تا این مجسمهای سیاه بردگی را بصورت تریمران و پها مبران آزادی و عزت انسانی در آورد و در این کوشش مستمور شده است •
 مصر نو در افریقا نه مغزی است برای کسانیکه از اسفداد شاعری محرومند و نه وسیله فلفلی برای تفریح خاطر آن گروهی که در جهان خوب طبقاتی خویش آسوده اند و از دردما و رنجهای جامعه خویش بیخبرند بلکه آینه صمه این دردمل و بواشها است • آنچه مصر افریقای امروز را میسازد باس و بدبختی و زبونی و پستی که متأسفانه امروز در ادبیات جدید ما مد عده است نیست امید و نردی و شرف است •
 این قطعه ترجمه اثر شاعر جوان سودانی آقای عبدالرحمن نجار است :

صبح بیستانی تو را سپید کرده است ای افریقای سیاه
 و سحر درین تیره و نمناک ترا روشن ساخته است
 ای سرود سیاهان بر این سرزمین پسال بگه ای
 و بهره این بردگان را بگذر
 که بگوند بر گور جباران ریخته میزنند
 تو قبرستان پشاندوی بسودی
 که کخور گشایان بر سینه ات اسب میراندند
 تو گوشت پوسیده ای بودی که قرون مشهورت صاف کرده بودند
 سر زمین بردگان افریقا کخور سیاهان ونده بسوش

❖ ❖ ❖

اینها سرهنه اند چگونه بزرگ میشوند ؟

دامن یکفای ای افریقا ای سرود سیاهان
و چهره بردگانی را که برگرد جباران ریخته‌اند
می‌زنند بشکر

✽ ✽ ✽

او همچنان این تراشهای غرورآمیز را میخواند
و در چشم جنون آمیزش
زنگ آزادی را می‌تواند -
و اما افریقا همچنان در زنجیرهایش بهبود -
می‌پویید

زندانیان را میدید که برمیستند بر ما، همه میشود
و دانه‌های سرک را که بر ما می‌گرد
زیسوا در روشن
صیان روشن بیستم زیانه می‌کشید
و او که از خواب‌طاهی که دیده بود منموش -
عده بود

همچون ازوئی که واقعیت یافته باشد
از خود لرزید

زیسوا سوده های سیاهان برهنه را دید
که شعله‌های عربی بر چهره شان می‌سوزد
و بسوی کار جباران نژاد می‌بشوند
و او اشکریزان برادرانش را در آغوش کشید
و با انسان سرود خواند
و بر دیواره های بلندت زمان
سرود افریقای، خون الود را فکاشت .

عبدالرحمن نجار

بوسه‌مان برنگا بوسه‌مان است
و در هارهای کوهستانها آتش می‌افروزند
و در شکاف دره‌ها کودکانشان را جای میدهند
چگونه انسانند ؟

میخواهم یلچیان، یلسک و یلارو پوششکار بیستم
و با افریقا بیروم تا یکسعه بروه عکار کنم
زیرا من انسانی همچون بره، می‌بینم
اما بیفتوا مانده‌ام می‌بینم
برادرانم که با افریقا رفته بودند
اکتسون بزرگ و موصند بر کسعه‌اند
بیسرا ششم تسوم ؟

بازها بیک بدن وحشی دور کرده‌ام
بدن یک زن سیاه پوست شهوت‌ناگیز
زیسوا بمن گفته اند که پوست بردگان
طعم و بسوی خاصی دارد
افریقا کشور گنجها

سرزمین سیاهان زنده بودن با برهنه ما
روزی بر سینه‌ها تگام می‌بینم
و سرما به و زندگی می‌جویم
دهها سال است کرده انرا

در زیر بار سنگین گناهان شرکان هم کرده‌ای
فردا که نور صبح بر تو بتابد
تو گفت ترا عوامی درید
و برها عوامی ایستاد
همچون می‌ولاشی
که در بسوا بر تو عید بها می‌زند و به ان
بهره شود

و همبر ملوفان را بر گسرداند
و بساز بساز دیگر

با حروفی از خون تارینش را بر پیشانی خودشید بنکارند

تحلیل مختصری در چگونگی انحصاری و اجتماعی کشورهای
سوسیال نیانده

فقر، تضاد و تناقض از خصوصیات اقتصادی جامعه آسیای کبکده بوده. پدیده های آن امروز در غالب کشورهای توسعه نیانده عیداً مشهود است. •
محل عمومی سابق و نقر، قاعده های اجتماعی و اقتصادی عوامل اساسی این تناقضات را تشکیل داده و تا امروز بشر به از بین بردن آنها که جنایات و جنگها معلول آنهاست توفیق نیافته است. •
علل تاریخی عقب ماندگی بعضی کشورها به خصوصاً بخت مطلق است. لکن ما مختصری از چگونگی اقتصادی و اجتماعی کشورهای مذکور مورد ابراز و تحلیل قرار میدهم.

xalvat.com

— xx — xx — xx —

الف - جمعیت -

دویم جمعیت گره ارض در کشورهای عقب مانده زندگی میکنند. اکثریت این عده با نومی از زندگی نوری گرفته اند که کار زیاد و اجرت کم فرمول فعالیت و قاعده تلاش به خاطر معاش آنها عده است. این نوع مناطق از نظر تراکم جمعیت و جنبه کیفی آن دو دسته اند: مناطق پرجمعیت و مناطق کم جمعیت. با اینکه پیشرفت علوم و شرا یه سهل زیستن "مال تو زیانیست" (۱) را مطرود جوامع امروز ساخته است مگر لوصف مناطقی نوع اول کشورهای عقب مانده مشمول این قانون طبیعی و تکاملی نمی توانند باشند. •
سهم مناسب افزایش جمعیت و سطح تولید فعلی آنها بر سهاله نظایرت بر موالید اصیت خاصی میباشد. ساله نظایرت بر موالید در کادر برنامهای آبادانی کشورهای نظیر شبه قاره هند - چین بوده ای. •
بخصوص در این امروزه توجه زیادی را بر خود جلب کرده. و با روشهای اصولی و نوین چون: گسترش فرهنگ و بهداشت علمی میشود. البته مذاب و شک و سخن و همبهاست و حرمانات عهد عتیق از عوامل ناساعد و خود مولد اشکالات مختلفی در این گونه جامعه ها هستند لیکن وقتی صلیمات و تقصی سهم یافت. سطح فرهنگ عمومی بالا رفتن از صداد بیسوادان کاسعه عده معلولهای موجود نیز با تطبیق از میان میروند رفت همه بقوله برتراند راسل: "با مدتی که از دراز، توان قاعده های تصاعد شخصی عاجز است چگونه میتوان در این خصوص قانون و قاعده وضع نمود" تا پانگفه سوی نهانند که: فقر خود مولد فقر و افزایش جمعیت عامل زمین است. •
نوسه ماشینیم - صنعتی کرد کشور - بالابردن میزان درآمد حتی مالیاتها و قوانین زمین میخوانند از

(۱) تشریح مال تو زیانیست در خصوص افزایش جمعیت به آن که بر دو اصل زیر استوار است

الف - نسبتاً زیاد جمعیت بر حسب تصاعد شخصی ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۱۱ ۱۲

ب - نسبتاً افزایش و وسایل جمعیت بر حسب تصاعد حسابی

ز آنجا که در دست آگوشی نسبت تصاعد اول، لر سیر صعودی و پیشی میجوید و سیر فقرانی اقتصاد کشورها آغاز میگردد.

افزایش منابع جمعیت که اصولاً تابع قاعده‌های طبیعی و غریزی مردمی است و همچنین از توسعه فقر جلوگیری کنند مگر فرمتک‌واقی و بهداشت عمومی .

xalvat.com

و اما ساله در مورد نرخ‌دهم این کشورها عرض می‌شود روش‌های چهاره جوشی آن چون منش معدید هوالید و تعویق تکثیر یعنی صورت‌عکس، فربه فون را سیاید که بی‌زور کم به نسبت قدرت‌تالی و اقتصادی دولتها بوسائل اعانه - کمکهای اجتماعی به ناآزاده ها عملی رزیده و معمولاً جوو برنامه های عمومی انبساط .

نکده جالب‌در این کشورها عوامل ناسازگار دیگری ظاهر فقدان سرمایه لازم جهت همهم صلیم و تربیت جوانان همه کار و مکرر انبساط که عنوان ایراد و اعتراض اولیاء امور در مورد تشویه، فکثیر شرار گرفته و شکفت ترانکه دولتها نیز این نوع حلقه‌تخصصی را ملاحظه عمومی پنداشته اند . با حساب جوانب‌کار مخالفت‌انان تالار از مندان و عقلاء عارضی بنظر نمی‌رسد اما اشاره بیک سلسله تکامل کلی تری چون : تحول کیفیت مبارزه حیات - سهرلت‌خراید، ضلی تکرار معاصر و افزایش کیفیت بازده کار ضروری بنظر می‌رسد که چنین عقاید کهنه و بدبینانه را ممنوع کردادند و شاید فکر انان را برای بیان بگفاید .

دولت می‌تواند یا افزایش قدرت تولید را بسایا، تعدید بهترین سیاستی را فراهم آورد و تالار بر موالید را موقوف گردانده با اصلاح علمی سیستم مالکیت ارضی و اعیان زمینهای غیر زراعتی - صنعتی کردن اصولی پژوهش علوم جدید با تدارک کادر فنی لازم ایجاد کار بیشتر کند - ملتان فید عقاید کهنه که متناسب با زمان زیست و زندگی عصر آنها نیست بود را تالار نماید و بیاچوار روشهای نوین اجوز و بهره‌بر آماده کرد . این نوع مکارر معد و متقابل در امه نافر و وسیله دارد که اصول دموکراسی نسبی در آنها موجود و مرعی باید . همه با وشتو استعداد اجتماعی انتظار اصلاح عمومی و با فقدان دموکراسی توسعه اقتصادی تالار عینی پیدا نمی‌تواند باشد . لیکن رفقی ملت امنیت فعالیت آزاد نسبی و صحیح سازگار بکار و زندگی یافتو برنامه از دولت‌علمی و اجرا کردید بالذات ترمیم و توسعه سهل و سریع خواهد بود .

ب - کشاورزی -

بیش از ۷۰ درصد این کشورها با شیوه‌های کشاورزی سابق، فعالیت و مصیبت‌دارند .

اکثراً از ارز، وسائل، تسهیلی دید بیمبر نیستند ولی نسبت بهین مابدی تولید و هزینه زندگی حرفه‌ای آنها اجازه دسترسی و رعایت روشهای تازه و تحوارشکار فزون و سالی فعالیتها بود را با آنها نمیدند . اولیاء امور مربوطه بصورت با آنها توسعه و کشاورزی غالباً سیاست‌عوام تریبانه‌دارند و در اصا دنها، بیارتمی دیگری را دنیا میکنند .

ملتها و عقب مانده دارا استعداد کافی برای ترفی و زمینها، با آنها قابلیت تولید زیاد دارد . بدو مثالاً میتوان گفت با اینکه از عمر سهرر بها رهند آزاد بین از چهارده ساله نمی‌گذرد دولت‌مکرر با ایجاد دموکراسی نسبی و امتداد سیاست‌آزاد و ملی قادر به توسعه کار عمومی و افزایش مخرج تولید گردیده

تر نتیجه رقم درآمد فردی و عمومی را با برنامه‌های پنج‌ساله اولی برترتیب ۱۸٪ و ۲۴٪ در آخر دوره برنامه او او دوم بالا برده است *

سیستم تولید و توزیع فعلی زمینهای زراعی در این کشورها با هیچ نوع عدالت‌اجتماعی نمی‌تواند تامل بلیور و تحلیل باشد *

xalvat.com

ج - صنعت -

برای انجام از زندگی و عقاید کبیری اقتصادی پیش از دوره اساسی باقی نماند *

۱ - لزوم تحول سیستم اقتصادی فعلی و تغییر اساسی روشهای تولیدی کشور که معطلین رعایت داده‌ها، سوسیالیستی و کار عرضی و ایبار است *

برای تحلیل این قسمت استناد به رژیم های اشتراکی و اشاره به معایب و مساکن چنین عمل تکاملی و انقلاب اساسی ضروری است ولی از نظر دوره از دایره سخن از آن در میگذریم *

۲ - امکان تحول و تکامل طبیعی با حفظ سیستم اقتصادی و اجتماعی فعلی در این کشورها ۱۰ با ایجاد با اقتصاد عمومی بر پایه منافع مشخص که تماماً خصوصیات زمینهای معرفی و احتیاجات دموکراسی و نیاز امروز باشد *

صرف نظر از دوره تمایز ظاهر آنها با هم و دو یکی بنظر میرسد لکن انعطاب ان یکی - قرون مجاز و صرفه است که با مشخصات مسکنی و امکانات موجود وقت و در نتیجه نهایی نزدیکتر باشد صنعتی کردن سریع آنها با اولی اجتناب ناپذیری ملزوم توسعه اقتصادی و لازمه آن بکار بردن وسایل و اسلحه‌ها و جدید است. باید گفت که امروزه عقاید و استدلال کاندس " منجی مند" در مورد این نوع سیاست و سیستم اقتصادی صنعتی کردن کشور که " صنایع جدید با استقرار جدید و بکارگیری کارگران توانمند بود و موجب تمرکز صنعت و سرمایه در دست اقلیت جدید بود" بود که بر اکثریت جامعه حکومت کنند " کاملتر شده - پیروزان و از ما همینهم که جنبه فعلی دارد نمیتواند در مورد کشور فقیر هند تأیید و تقلید باشد * سرکار و کسب در استاد اقتصاد دانشگاه همیشه چنین استدلالی را بازگشت مراجع ابتدائی میدانند و صریحاً رد میکنند * نهر و منظور را با بیان منطقی نمی‌پرسند : " از اینکه حتی در بروردن مردم بزندگی ساده و روستایی شود نمیتوان مضمون را در مفهوم دیگری جز بازگشت به تمدن عصر قدیم یعنی فئیر بود و تأثیر بر تمدن صعب کرد و با صعب از محسبات تمدن باعتر زدهین دوره است " *

ازجمله برنامه‌های پنج‌ساله هند ظاهر ریخته شده که در براد اساسی ان صنعتی کردن کشور - بالا بردن سطح تولید به نسبت کارگر تولیدکننده و به تناسبی که تولید بیشتر موجب تعدیل کار و کارآفرینش و رعایت زدیده است - نهر و در یکی از یادداشتها بود بتوان فکریم از کاندس و تأیید سخن استاد اشاره میکند : " تمام فعالیتها و مند صنعتی کردن و بر اقدام در چیزی جز وسیله ای برای بالا بردن ارزش فرد و قدرتی اقتصادی افراد نیست و نباید آنها را در او دو بزرگ اشتباه کرد " *

اصولا کمبود کادری و سرمایه - با وجود منابع نرژی‌های زیاد - از موانع اساسی و عوامل تولید مشکلات بوده - اولیای امور با وجود علم بدانشان نتوانستند تدارک و غالباً تابع معضراتی غار از سرزنش کنند - منابع کار در این مناطق عموماً بیدار اند که به در مورد نفت چکند : " صنعت نفت ملی ایران با گنجایش استخراج فعلی ۵۲ میلیون تن در سال، اوقیت کار برای نگه بیکاران کشور را برنمی‌آورد و در صورتیکه از مقدار ۶۶ میلیون تن صادراتی آن بصورت نفت خام که سیله کربن‌ها و کاترل‌ها وابسته کنسرسیون به پالایشگاه‌های خصوصی در هلند و ایتالیا می‌جنوبی و ۴۰۰۰۰۰۰۰ مترمکعب، بشود کاسته شود و مسائل افزایش صادرات نفت تصحیح شده فراهم کرده . "

salvat.com

د - تجارت -

عدم نظارت بر واردات و معافی مالیاتی و غیر گمرکی واردکنندگان عمده - از جانب دیگر حمایت از رقابت آزاد با جهان، صنایع و سرمایه‌داران خارجی که عموماً ناقص سیستم های صنایع منابع و بطل تجارت داخلی آنهاست - نفس اساسی سیاست اقتصادی شورهای توسعه نیافته - میباشد که غالباً با اوانسهای متقابل، بر مبادی از محلی تعبیر می‌آورد . بدین ترتیب سرشت اقتصاد و این ملت‌ها وابسته به سیاست انحصاری واحد های مقدر تجارتنی و ضد تنی خارجی بوده و اعدای مزبور با اسارت اقتصاد این کشورها عملیات تیر اراده و حاکمیت ملی آنها دارند - احضار این امر در مثال کم رشد و نفت مجوز پروژه در کشورهای و آمریکا جنوبی در دست نفت کربانی بیزالدلی نفتی و تراستهای تجارتنی آمریکا شمالی و انگلستان است که معمولاً با تقسیم عادلانه سیاست و بازار اقتصادی این مناطق با کارتل‌های دولتی بود و وسیله اوانسهای وابسته حاکم مدلول در حال می‌گردند . اوانسهای مذکور همبستگی‌ها و امان و قسمتهای مختلف و مجزی دارند که ماسوریت‌های غیر از ضروریات داخلی بود نموده آنهاست - ساده تر اینکه در کمبست احتیاجات عمومی محله و کینایت آنها مالمه و نظاره میکنند .

از صدها ۱۰۸۴ نمایندگی سرمایه داران بزرگ در ایران نمایندگیهای انگلیس و آمریکا با توافق و اوانسهای متقابل در مناطق خارج از ایران در حال قرار گرفته و با تبادلات نظر و توافق خصوصی نیامشدهای عمومی کشور را از نظر اجتماعی و اقتصادی ارزیابی میکنند و بدان صیبن تکلیف می‌نمایند . فعلاً انگلستان با ۲۸۵ نمایندگی بود مقام او را در این مورد حاضر است . مناطق دیگر این نوع کشورها چون آفریقای شمالی و مرکز و آسیای جنوب شرقی مشغول استحصارات انحصاری بدست تراستهای تجارتنی بوده و در شکل عمومی بود از تاعده استحصاری اول مستثنی نیستند .

اکنون فرصت هر سوال ساده‌ای دست‌داره است که احتیاج به خود و تفکر عمومی دارد تا معلوم شود چه کسانی و کدام عواملی در ارتکاب چنین جنایاتی می‌بایکند ؟ آیا اینها این اسارت و این بینواشی‌ها نیز ناشی از کمبود رشد اقتصاد و با اعدای کسانی تابع فساد فکر و مردم کشورهای توسعه نیافته است ؟ آیا علت و معلول را در بیان خود آنها نمیتوان بدست آورد ؟ به بیان .

یادری شما لازم است تا در غنا متسرفتها بی‌سرمایه آنها در جستجوی صور جنایات آنها با سایر دولتی و عمومی

تری بدان داده شود .

سرمایه گذاری سرما به داران بیگانه و شرکت آنها در برنامه های اقتصادی این ملتها عوام با نومی از استثمار جدید است که از اطر، لغوی اسمعنا کاشیک بدور میباشد . • تحلیل مختصری از کیفیت کار کارفل برین لمللی و ماهیت قراردادای کنترسیوم ، همچنین نماپن و سنجن نسبت عایدی کلی طرفین در صنعت ملی ؟ نفتا ایران - و آرامکو در مریستان سردی - بهمان شکل تجزیه ساده می در تصویر شوه کار و فعالیت بانکها و بانکداران خارجی در همین مناطق . منابع استناد و استنباط بهتری میتواندست باشد - که متاسفانه کمجا بد، مسلم، مجله نما اجازه نمیدو - نهاد و تباين کار این بانکها تراستها بلها و منتلهای دنیاى غرب با خواسته های ملی محل بقدری اشکار و رفتا نگیز شده است که خود این واحدا ناگزیر به توجه و رعایت ظاهری گردیده اند . • در اینده صور ، میتوان با ابتکار انجمن کمکهای مالی و فنی آنها بصورت خصوصی و عمومی امارت نمود و کمکهای بلاعوض، بشگاه نورد امریکا که عامل برنامه های عمرانی و معادار کشور ای عقب مانده امریکا، جنوبی و اسیای مرکزی و جنوب شرقی و غریس است (۱) همچون طرح کلمبو را از جانب سرما به داران انگلیسی نواذ دز . خصوص کشورهای عقب مانده عضو کلمنرلس مثال نمونه ای قرار داد .

حاصل با رفتار سرمایه ستانمان اقتصادی کشورهای توسعه نیافته و توجه به نیروهای وسیع انسانی در این مناطق دو طریق ذیل را طوم تصمیم ردد با اشتغال یکی از اندورا لزمه احمای اقتصاد ملی آنها بنداشته و بارلیای امور گوشزد میکنیم :

salvat.com

- ۱ - احمای اقتصاد ملی با عوامل موجود داخلی
- ۲ - احمای اقتصاد ملی با عوامل خارجی یا کمکهای خارجی

XXXXXXXX

۱ - در اقتصاد عقب مانده منابع بالقوه وسیعی موجود است که ظرفیت تولیدی فعلی قادر به استفاده و بهره برداری از آنها نیست . در این نوع جامعه ما باید کوشش اساسی را مقدمتا به سامان پایه های صنعتی و صنایع کلید معالوف گردانید تا بدانوسیله تریح توسعه آنها ممکن شود . • مساله اساسی اینست که این کار خود مستلزم سرمایه وسیع و زیرسری عاقلانه ای است که دولت و ملتظامراً فاقد اند . اصولاً این نوع پندارها فعالیتواصی و راه آورد ابادی بیگانه و نمایشگران معدن جدید است که در مقابل عمل و اندرز ملی خود در کنار کمکهای ناچیز با ثروت ملل معامله بعمل میکنند و بدین طریق، واحد تباين بين ثوریهای کلی و مرحله واقعیتو عمل آنها میکنند . • کار و بازده ان از جانب ادااماسیتو استوارت میل بهنوان مینا و مولد ثروت ملی طریح و تکمیل

(۱) کشور شبه قاره و دولت بیطرفند ضمن برنامندی از برنامه های کلمبو مشمول کمکهای بلاعوض بشگاه نورد نیز هست .

عده و وسیله مارکس عنوان سرمایه اساسی را در روزگار عملی را یافته و امروزه با روش تجربی اشتیاقان علم اقتصاد مورد طرح و تأیید دولتهای ملی و ملیتهای گریخته از بند اسخمار گردیده است .
 طبق بررسی و تحلیل اردان دست کم تعداد ۲۰۰ میلیارد از جهت کشورهای توسعه نیافته مدت مد روز از سال را در بدالت عادی و بیکاری فصلی میگذرانند . مجموع این مدت با حداقل بود ۲۵۰ فرانک که معادل مزد یک ساعت کار کارگر متخصص در کشورهای نامبر فرانسه و آلمان باشد بالغ بر پنج هزار میلیارد فرانک با ساده تر معادل ۲۰ میلیارد روز کار و برابر باده میلیارد دلار میگردد که بود بر کل کمکهای غرب و شرق فزونی دارد . (کل کمکهای بلژیک و وام آمریکا و اروپا شریب ۷۸ میلیارد دلار و روسیه و گروه سوسیالیستی بالغ بر سه میلیارد دلار میشود . ما بهیچاندر با هم فرق کلی دارد)

تجربه مؤثر و مراکز در سالهای اخیر نشان داده است که امکان عملی چنین طرحی حتی در عقب مانده ترین کشورها از راحله صنعت و فن امروز مقدور و سرمایه اساسی برای بکار انداختن چنین برنامه ملی آلمان کار افراد میتواند باشد که از رهبر عاقلانه وسیله کادری آگاه و عالم و از زمین بخود آنهاست .
 امکان عملی چنین طرح و تصویبهاش در صورتی است که شرایط اجتماعی گرد آید و قدرت بود متعارف عملی در اختیار باشد و امکاناتی که به تفاوت نسبی همه جا و در اختیار همه ملیتهاست به خاطر تحول اقتصادی و اجتماعی آنها بقدر و ضرورت گردد . وقتی مقصد مشترک او مقصد عمومی باشد توفیق خاصی بود بخود ضمن خواهد شد .

برتراند راسل در مورد چنین تحول در دیدی نظریه بسیار منطقی میدهد . وی میگوید : " ایجاد یک جامعه بهتر مستلزم تغییر اصول و ارکان قوانین اجتماعی آنهاست . " که بدین نحو اساسی اختیار و تکریم بشکند . قوانین عادلانه تر و بفرهنگ قوانین دموکراتیک عصر حاضر وضع گردد و بدینطور جامعه از سامعه شود که با طبع مردم دوستی و عدالت خواهی افراد از سازگار باشد . میگویند این نوع قوانین را تغییر داد نه از اینجهت که عقلا مذموم سامعه شده اند بلکه بدین علت که ظلم ناشی از آنها عملا ایجاد کینه و ایجاد عقب ماندگی میکند و برهنگز اساسی قانون یعنی تمام جامعه و امنیت عمومی نبش میزند .
 در چنین شرایطی میتوان با اختیار از روش فون و آرن برنامه های عملی دستیار و با شعور و تکمیل کادری عقب مانده های ناشی از سیستم سابق را زودتر جبران نمود . وقتی دولت به نیاز مندیهایی عمومی اعتنا کرد ملت با شعور اساسی و آزادی نسبی شرایط را ایجاد مساعدی یافت و نیروی متحد دولت و ملت بجا نبش مشترک و واحد شود داده شد بالذات شرایط توفیق در بران عقب مانده های سهلتر و فاصله نیکو کورتر واحد بود مذهبها اگر همه جا امروز چنین نیست با دقتی ملایم و آرامش بین المللی و تفاوت زمانی مختصر این چنین خواهد شد .

xalvat.com

- ۲ -

کمکهای خارجی - غرب و شرق بهتر میدانند که رستای نیز ملت های عقب افتاده به ما را احمیای ویرانه های امپراتوریهای کهن نیست بلکه نهضت عمومی آنها انگیزه ناشی چون فشار فقر و مزدگستی دارد .

روی این اصل لازم است در ماهیت و کمیت کمکهای خود معلول و توسعه بیشتری دهند که ملحقها بدان خرجه بین و دولتها با سیاستهای امکان تولید، یابند و بتوانند با تقویت تولید - تأمین امنیت عمومی و اما این نسبی صلح و آرامش جهانی را هدف غایی خود قرار دهند *

ولی ایسا چنین قاعده نمیتواند بهواسطه آثار آن یکی و نیازمندیهای این دیگر پاسخ مثبت دهد ؟
کمیت کمکها - همانطور که قبلاً اشارت شد در رفتار کمیت کمکی خارجی شرق و غرب به کشورهای توسعه نیافته کلاً متعادلی با ده میلیارد دلار و توزیع نسبی آن بسیار نامعین و قریب به دلار (برای برافروزدن) است کیفیت کمکها - به صورتها، معطوف و متنوع چون کمکهای بلاعوض و وام تجاری و فنی و انواع متفاوت آنهاست *

salvat.com

ماهیت کمکها - کمکهای خارجی صرفاً جنبه افاده و استفاده متقابل دارند * هدف اصلی از آنها توسعه هم بستگی اقتصادی بین کمک دهند و گیرنده است * نوع دوم آن (وام) بخصوص از جانب غرب شکل معامله تجزیه ای بخود میگیرد که بهره ۴ تا ۶ درصد معموله آن یا فرمول تصاعدی اصل وام را بر ترتیب در مدت ۱۶ تا ۲۲ سال دو برابر میگرداند * کمکهای مزبور عموماً مصممانه از نوع قراردادهای حاصلی بازرگانی و نظامی و به نیت توسعه روابط اقتصادی تسلط انحصاری بر بازار تجاری و هدایت سیاستهای تجاری بدنیال دارند که جنبه های فائوری و معلولهای اجتماعی و سیاسی آنها قابل تفسیر و تلمیح بیشتری است * لیکن با توجه بوضع مطالب از توضیح آن میگذریم *
برای نمایانگر ماهیت کلی کمکهای موصوفه مثال کوچک زیر را مبینی بر آمار بهتر (۱) بسته میداتیم :
" از ۱۳۷۰ میلیون دلار کل کمکهای سال ۱۹۵۷ آمریکا ۲۷۰ میلیون آن (درست نصف از کل) مخص ۴۰ میلیون نفر (از جمعیت ۱۸۵۰ میلیونی کشورهای مشمول) شامل ساکنین فرمز کره و ویتنام جنوبی بوده است *"

اظهار نظر گالبرس استاد کرسی اقتصاد در موارد و مفاد اقتصادی کنونی در این خصوصها بینه اشارت است تا معلوم شود که خود چگونه عامل عمدی جفا باشد : " لزومه حفظ ملحقها در مقابل خطر حریف کمونیسم همانا آزادی آنها از فشار فئودال گرسنگی است که خود اینها را مستلزم معلول اساسی کمکهای غرب و تضییع ماهیت آن است (۲) "

با تجارب و استنباط کسی میتوان گفت که امکان نجات ملحقها از فقدان رشد اقتصادی با آموزش مطلوب ماشینیسم متعادل بکار بردن آنها با اصول اخلاقی و علمی امروز بویژه با ریاضی معلولانه و تنها بوسیله بود آنها ممکن و برای کمردن تضییعهای سیستم تولیدی فئودالی و جبران عقب ماندگیها روش کلی و سهل تر است *

بحسب آن سیاسی فئودالی - که ناشی از تادم سیستمهای متعادل تولیدی است - مستوجب سلسله اتفاقی تصایق قدرتهای

(۱) در بخش اقتصاد شورائی، توسعه نیافته در سال اول دانشگاه حقو پاریس ۱۹۶۱

بشدت در مورد کشورهای فقیر و ضعیف شده بررسی مسائل کلی و حیاتی آنها. موضوعات تجزیه‌ای و قری‌چو در رسیدگی به وضع کشورهای توسعه نیافته و بسط کمکهای لازم و مسائل صانند را صلاحیت خود قرار داده و هر گونه ادعای ظاهری را در این خصوص باطل و غیر قابل اعتماد کرده‌اند است.

دوی این اصل بی‌مورد نشد که از مسئولین آنها استغفار کنیم :

ایضا نمیتوان با شرایط مذکوره و امکانات موجود با بکار انداختن نیروهای وسیع انسانی و سایر عوامل تولیدی خود آنها صلح ثابت‌دلی را دوران اساسی و رفاه عمومی برای آنها ساخت و بدانوسیله افکار عمومی آنها را از لحاظ تدارک و تکوین وسایل دفاع داخلی به جانب توسعه اقتصادی و اجتماعی آنان معطوف کرد. آیا ؟ صلح تولید را بالا برد و بر بیسوسامانه‌های اقتصاد ملی فویله داد ؟ بر فقر و فلاکتها به نفع و سودها بدرمدان و ما تنها. مرفاقت و بیماریهای حاد جامعه آنها ختم گرفت و ملتها را از چنگ ظلم و فقر و زندگی شهرآسی نجات داد ؟ پسرا
۱۲

عصر چیست ؟

انچه در این مقاله نمایان است فراوان است. کوششهای ما در صرف و هفا شدن عصر نیست. به در میان خوانندگان مجله بسیار کنند کسانیکه اصولاً بهر اعتقادی داعیه باشند و از میان آن اقلیتی هم که کم و بیش با آن سروکار دارند بیشتر آنها بدیده طفلن میکنند نه معنی و صیقلند که گاهی میتوانند و لذتی ببرند و هیچگاه در برابر این سوال که عصر چیست فیلوفانه معوق نمیشوند.

اصیت این مقاله در سه معنی است : داور مطلق به دویاره عصر و چه در مورد یکساله دیگر و روش " نگاه کردن " به موضوع است. امسویق این دوی بزرگ و گرانهاست که در برابر هیچ حادثه‌ای و هیچ امری در اصیت بی اعتنا و بی تفاوت نیاهیم. حتی افتادن یک سیب از درخت سعی مکان خوردن سرتراپی که هیچوقت و حتی در برابر اعمال و افکار جادوگران اثری نسیاه.....

توقه و تأمل در برابر همین مسائل کوتاه است که این تمدن بزرگ را پدید آورده است. انگیزه اصلی نویسنده هم از ترجمه این مقاله جز این نیست.

البته قبلاً باید یاد آور شوم که این ترجمه روان و روشن نیست. علفرحم بر اهل بهره‌انکار استچه این یک گفتار فلسفی است. انهم در باره عصر و بدیهی است که ترجمه آن تا چه حد مشکل و گاه محال میباشد. ولی امیدوارم مشر کلام بدست آمده باشد و نیت نویسنده اصلی آن در میان ابهام و اهتکالی که در ترجمه دستخام شده باشد. معرجم

x x x

عصرا کسانیکه از " استعمال " زبان و " قبول " بان خودداری میکنند و همین زبان ابزاری است که در جستجوی حقیقت بکار میرود پس میتوان گفت که شاعران در حد گزارش یا اخبار از حقیقت نیستند. اینان به " تمسیه " عالم نمیشوند و در نتیجه از هیچ چیز " نام " نمیبرند زیرا تمسیه (دالت) همواره مسمی (بدلول) را در برابر اسم (دال) فریانی میکنند و با بقول دیگر اسم در این حالت در برابر بدلول که یک شیبی عینی و ذاتی است بصورت عرضی ظاهراً می نماید.

عصرا همین تمیگویند. خاموش نیز نیستند داستان دیگری است.

برخی میگویند که ایشان میتوانند با سامعین ترکیباً تخریب و غیر معمول بنای عادی سخن را دیگرگون کنند. اما این ادعا درست نیست. به در این صورت میبایست که عصرا خود در ورطه کلام واسطی (۱) افتاده باشند و سپس از آنجا کلماتی را بصورت دستخام و ترتیبات ناچیز و غریب استخراج کنند و "علا" از "اسب" و "کره" جمله "اسب کره" را بسازند. علاوه برآنکه انجام چنین نقضه‌ای نیازمند به یک زبان نا محدود است. معقول، بنظر تمسیرد که عصرا در همین حال که صفت واسطی بودن کلمات را قبول میکنند.

بخوانند طرح جدید و تفکیک آن را از این صفات بیرونند .

در حقیقت شاعر در يك لغت کلام و امطی و الی را ترک گفت و آن هنگامی بود که برای همیشه شاعری را بر گزید . به هر کلماتی را " علامات " نمی بیند بلکه آنها " اشیائی " میدانند عینی و طبیعی .

ابهامی که در علامت وجود دارد موجب می شود که بتوان بدل خواه از آن مانند يك قلمه شیعه عبور کرد و از علامت ان عینی مدلول را جستجو یا یک نگاه با بسوی قدیمتو ماهیتان بر گرداند و آنها صهیون يك ذات و يك عینی عینی ناشی کرد .

xalvat.com

کسیکه سخن میگوید بعد از کلمات قرار دارد و نزد يك معنی و مدلول . ولی شاعر بوی از کلمات است . برای اولی کلمات حیواناتی اصلی و بارکنند . برای دومی شعر و گریزها . برای ان یکی کلمات قرار داده های لازم و نهی و آیزان که رفته رفته فرسوده میشوند و هنگامیکه دیگر بکار نمی آید بدورشان می آنگذند و برای برای این یکی ابتدا اشیاء عینی که همچون درختها و میوه ها بر روی خاک میرویند و رشد میکنند شاعر اگر یک کلمات میبرد از ان همچون نشانی استدر برابر رنگها و موسیقی در برابر اصوات . نه

اینستکه کلمات در نامن شاعر معانی خود را از دست داده باشند چه این مفهوم و معنی است که کلمات را بشکل واحد های زبان در می آورد . بی از کلمات بیرون اصوات و خطوط منزل می آید . اما در اینجا معنی و مفهوم يك خاصیت طبیعی میگرد . صفت لفظ میشود همچون حالت يك چهره یا احساس نادی یا غمی که در هنگامها و رنگها است . این معنی در کلمه حلول کرده استدر هنگام شکل ان جا گرفته و صمد و نزول یافته است . این خود يك عینی است ازلی و ابدی . برای شاعر زبان بلا نظام و سامان عالم ظن است . گویند در اندرون سخن است . کلماتی را از سر سو در بر گرفته اند . این کلمات تعداد جوان و چنگ و دکل و عینک آورند . وی آنها را از اندرون برآه میاندازد و اداره میکند . وی آنها را همچون بدن خویش احساس میکند . وی محور سیاهی از زبان است که آنها بر معتمد می آید و دامنه عملی را در عالم شایع گسترش میدهد .

اما سرآینده (شاعر) بیرون از زبان است . وی کلمات را از روی دیگر می بیند چنانکه گوشه خود در صف انسانها قرار نداده است و هنگامیکه بسوی آنها می آید استدر سر راه برای اولین و طبع کلم را همچون مدی در برابر بر می آید است . وی بجای آنکه اشیا را از ابتدا بوسیله احساساتانش بنماید گوشه قبل دور از چشم کلماتها انار از ادبای می آید و نامرزدانعه استدر حس و کلمات که نوع دیگری از احساسات خود را مواجه دیده انرا را لمس کرده . بنیاده و زاری نموده استدر آنها بر روی خاص و بیوندی و بوه با زمین و میان آب و همه اشیا . مدلول کلمه کرده است . بی آنکه بگوینگی " استخدام و استعمال " کلمات را بصورت انسانی از زبان عالم بیرون برآید . در هر کلمه تصویر ان اشیا را می بیند .

این تصویر لفظی که بر روی می آید که با یکدیگر نسبت پیدا میکند یا یکدیگر همچون انتخاب میکند الزاماً همان کلمات که ما برای نشان دادن آنها بکار میبریم نیست . بدون ویران بیرون از کلمات قرار دارد . بجای اینکه کلمات برای وی نمایندگان باشند که او را از راهی خارج از جمع خودشان برمی آید اشیا . بسکتانند وی آنها

را بمنزله دامپاشی مینگره که در آن واقعیتی را که گریزان و باغزار است محدود میکند . بطور خلاصه کلام برای وی اشیاء جهان است .

ضمیمه‌ها را چهار مہمی در رژیم اقتصاد داخلی کلمه رخ میدهد . امکان کفین علامات تذکیر و جانبی صورت سرخیش صگی برای شاعر شکلی جوهری را مینماید که همرازانکه از معلول و معنی " حکایت " کشند اشیا " مجسم " میکنند . بر عکس واقعی که " معنی " صفت یا صفت " قالب " نیز در معنی منعکس میگردد و معنی نیز بنویس خود تصویر از قالب است و بمنزله علامت آن . زیرا معنی در اینجا تلویق و فضیلت خود را از دست میدهد و چون کلمات صیغین اشیا " ازلی و لم یولدند برای شاعر مسلم نیست که قالب برای معنی است یا معنی برای قالب .

salvat.com

صحنین میان کلمه و شیء بدلول يك را بده دو چانه‌ای برقرار میشود که دو وجه دارد . يك وجه چیه جادویی و رموز و دیگر وجه دلالت‌ممنوی . و چون شاعر کلمه را بمنزله ابزار استعمال نمیکند میان معانی معلول آن یکی را اشتهاب نمیکند . در يك از این معانی بجای آنکه در نظر وی يك مساله مستقل و جداگانه‌ای جلوه کند بصورت يك کیفیت مادی در میاید که یاد دیگر معانی در برابر چشم او ترکیب یا لغت‌اند . بدین طریق شاعر بوسیله فرجه شاعرانه‌ای که دارد اشعارات و کلماتی بدید میآورد . از لیل طریقی که پیکاسو ابداع کرد متکا میکه خواست قوطی کبریتی پسان که غلاف بود بر آنکه در عین حال " قوطی کبریت بودن " خارج نمود . نسلورانس شهر است و گل است و زن و در عین حال گل - شهر . زن - شهر . و شهر - گل . این امر که روانی اب را داراست و چالاکتی در رنگ طلا را در آخر با یکجور وفار و تقاسیم و موقع شناسی با میان می پذیرد .

در این مساله دست‌نمایدی سرچشمه (۲) نیز در کار است . برای من فلورانس نیز زنی است و يك هنرپیشه امریکایی که در فیلمهای صامت دوران کودکیم بازی میکرد و که امروز همه‌اش را از یاد برده‌ام و فعلا بفکار دادم که قدی کشیده داشت . همین يك دستگیر دراز رهن و صواره اندکی حسه بود و همیشه عذوب و همیشه هواردار و همیشه مجهول‌القدر و که من او را دوست داشتم و که نامش فلورانس بود . زیرا کلمه که نغمه‌ها را از فرسود خود بر میکند و او را در میان جهان مینماید . شاعر صبر خاص خود را مینماید . بحسبان زبان که در آغاز این نغم بدید آمد يك بحران عصری است . عوامل اجتماعی و تاریخی آن صریح بوده است این بحران بصورت " بود با معنی " نویسنده در برابر کلمات ظاهر کرد . او دیگر نمیدانست آنها را چگونه بکار برد و بنا بر مضمون مشهور برگشتن : وی کلمات را نیمه کاره مینماید . آنها را با احساس بیگانه‌گی و غریبی که نسبت بدانها داشت و با نظر صلحی و بهره‌برداری که بدانها مینماید . احاطه میکرد . کلمات با و صلق ندا شدند اما در این اشیاءهای ناشناس و بیگانه آسمان و زمین و احساس خاص زندگی وی منعکس میگردد و در این کلمات بصورت " اشیا " یا بهتر بگوئیم " ککه و روح رموز اشیا " در می‌آمدند .

وقتی شاعر گروهی از این " عوالم ضمیر " را بهم مویزوند همچون نقاشی است که رنگها بر او بر روی

برده نظامی ترکیب میکنند . شاید برمی تصور کنند که وی در این حال يك جمله میسازد . اما این ظاهر داستان است چه در واقع وی يك آواز یکدشمنی بخند .
 کلمه - نهی (۲) که در يك جمله رموزی که از نتایجها و سلسلههای سحرانه و جادویی که انرا تناسب و عدم تناسب مینامیم جمع میشوند همچون رنگها و اشکها یکدیگر را میرسانند . میرانند . میسوزانند و در این هنگام است که واحد حقیقی شعر یعنی جمله - شوق (۳) بخند میگردد .
 غالباً شاعر در این طرح جمله را دارد و کلمات از دنبال سر میروند . اما این طرح هیچگونه وجه مفترکی با آنچه معمولاً يك طرح کلامی مینامند ندارد چه وی بر بنا کردن يك دلالت حکومت و ریاست ندارد .

" فرار بدانجا فرار من احساس میکنم که پرندگان هستند
 اما ای دل من - سرود ملایمان را بشنو . "

این " اما " که صحنه هیئت شکر یکبارچه ای در کنار جمله بر با استفاده است جمله دومی را باولی ریدان میدهد بلکه بمعنی آن يك رنگ تازه و يك روح مستقلی میبخشد .
 در صفتها ممکن است برمی از شاعران انرا با " و " ایشان کنند . این حرف حقیقی دیگر برای روح عبارت از ادای که يك عمل دستوری را انجام میدهد نیست . این حرف بر سراسر بار را گران میسازد . چنانکه تا بدان کیفیت ، لفظ " صاحب " را عطا کند . بسزای این جمله دارای لطین و ظلم است . وی لطمهای تند و محرز " دعوت " و اعتراض و ندا و استیذان را میبخشد . انهارا بمطلوب میدهد و از انجا شاعر و انار واقعی جمله را میسازد .

ما در اینجا این را بدله دو جانهای را میان کلمه " می " و معنیهای آن میبایم . مجموعه کلمات منتهی در حکم تصویری از معنی استغفانی یا التزامی است و بر عکس این معنی استغفانی بوسیله " مجموعه لفظی " که خود تصویری از آن است تعدید میشود . چنانکه در این شعر زیبا :

" ای فصلها ای قسرها
 کدام روح عاری از خطا است ؟ "

هیچکس مورد سوال واقع نشده است . هیچکس سوال نکرده است . شاعر غایب است . این استغفام جوابی را هم در بر ندارد بلکه خود جواب طمس نویسی است . بر این يك استغفام غلطی است ؟
 بسیار پیچیده خواهد بود اگر تصور کنیم که ریمو خواسته است بگوید همه دارای خطایند . چنانکه " برتون دو سن پل رو " (۵) میگوید " اگر انرا میتوانست بگوید گفته بود " . از طرفی دیگر وی نسخ خواسته است بجز دیگری بگوید - او يك استغفام مطلوب کرده است . وی به " دست انداختن و استهزا " روح " جامه معنی پوشانده است . این استغفام است که " شعی " عده است همچون اختراب تندتوره (۶) که به يك آسمان زرد بدل عده بود . این دیگر يك دلالت نیست . این بود يك وجود حقیقی و ما وی است که از طایف بدان در پیسته اند . ریمو نیز ما را دعوت میکند که با وی انرا از طایف بدبینیم . غرابتو

تا اغفافی که در آن احساس میکنم ناشی از جایگاهی است که ما در آن قرار داریم . برای دیدار و اغفافی با آن باید از جایگاه انسان بان سوی دیگر رفت . اینجا که جدا ایستاده است .

- 1 _ Langage _ instrument
- 2 _ Biographie
- 3 _ Mot-: objet
- 4 _ Phrase - objet
- 5 - Breton de Saint-pel Raun
- 6_ Tintaret

سون یات سن

سون یات سن در ۱۸۹۸ در حوالی (کانتون) بدنیا آمد. تحصیلات ابتدائی خود را در مدرسه مسیونری های پروتستان انجام داد و کار پروپاگاند انقلابی را از سیزده سالگی آغاز کرد. پس از حصول طب و مصروف به جراحی و چند سال طبابت در ۱۸۹۳ بنکار سیاست پرداخت. در ۱۸۹۴ در «رئولو» اعلامیه مستأخره چین را تشکیل داد که بعدها تبدیل به «اعلامیه وحدت» شد و مقدمات انقلاب را آماده نمود. در ۱۸۹۵ پس از مسافرت با آمریکا در کانتون کودتا کرد ولی مجبور به فرار شد. در ۱۸۹۶ به واپس رفتن در مدد استفاده از وقایع سال ۱۹۰۰ برای تشدید پروپاگاند انقلابی چین برآمد. در ۱۹۰۷ ایالت ننگان صوی را پیروز شد و اداعت ولی از واپس ابراج شد و به مالزی رفت. در ۱۹۱۱ پایه های نهضت انقلابی را که بعدها به سرانجام چین کشیده شد بنا نهاد. وقتی در اوایل سال ۱۹۱۱ به هانکهای بازگفت مجلس شورای ملی کانتون او را ریاست جمهوری برگزید. اما سون پس از تلخ خاندان مشیو بنفخ یوان بکاشی از ریاست جمهوری کنار رفت. بعد از آن در ۱۹۱۳ روایا خود را با یوان تلخ نمود زیرا وی درخواست جمهوری را تبدیل با مپرا اورد و خویش را امپرا اورد ملزود. در ۱۹۱۵ دوران همه سون بیامان رسید. حکومت کانتون که علیه یکن شورش کرده بود در ۱۹۱۷ در او و او را و نرالسیم ارتداد نمود کرد. سون در ۱۹۱۸ دیکتا تورفت ایالت بنویس. چین گفت ولی پس از چند روز ناچار بفرار شد. در ۱۹۲۱ به کانتون برگشت و دوباره بر مسند ریاست جمهوری نشست. با وجود این هنوز طرفدار تنگ با ایالاتشمالی بود در ۱۹۲۲ بار دیگر فرار اختیار کرد و تا سال ۱۹۲۳ به کانتون باز نگشت. سون یات سن بسا، در ۱۹۲۵ در یکن فوت کرد.

xalvat.com

در اوایل قرن نوزده و اوایل قرن بیستم اندیشه سیاسی چینی با اندیشه سیاسی مشرق زمین فرنیها فاصله داشت. و همانطور که چین جدید از ورا، چین کهن ادانه پیدا کرد. چنین اندیشه ای نیز صحت سلطه انکار کنفوسیوس بود. چین پیراز بیداری از خواب کهن کوشید تا از عناصر کهن سنت خویش استفاده کند. هرچند که از تشویسین ای قرن این سرزمین نتوانسته اند چنین عناصر را نادیده گیرند. ولی معروفترین آنان سون یات سن نیز تادر چنین کار نبوده است.

تولد او چین - رجل سیاسی - رهبر بوده تا - فیلسوف سیاسی سون یات سن، نهرمان ملی چین یکی از برجسته ترین شخصهای فلسفی نادر دور است. وی از ورا، قرن اندیشه خود را با

افکار کنفوسیوس را بیاطلاع بدهد • کنفوسیوس در زمانی بیدار شده بود که چین در جنگ داخلی بسر میبرد و خصوصیات حلی از بین رفته جای خویش را بیک « همجنسی » نلی داده بودند که در وجود امپراطور ای مانندان « چاو » حلی میکردند • اقتصاد فتوداراز جای خویش را با اقتصادی غیر فتودار داده نظمی سیاسی بیدار شده بود که ترون معنای بدلول انجامیده بود • اما در دوران تحول چین دچار بی نظمی و آشوب و بونریزی شده بود • افکار کنفوسیوس این دوره را تحت تسلط خود داشت • بنظر کنفوسیوس، خصوصیت یک جامعه بستگی به عتاید داشت اعلانی که در مردم نفوذ بسیار داشتند • وجود دولتمدار نظر و صرفاً بتا را ایجاد صانعیتی اجتماعی بود و پس • حکومتداری بود بر او بهبود و تنج جامعه ای بر آشوب و بی نظم در زمان کنفوسیوس، هنوز عناصر عرفانی ایده تولوجی فتودار قدرت بسیار دارند بهمن جهت نظریه وی مدکی بر عتو و محبت بدیگری و به بشریت و بتول خودش « $\text{ش}^{\text{ش}}$ » است • مقهوری است که افراد از جامعه دارند • تقوی و مالکیت از همین سه رهنشده میبایند •

سون از اندیشه کنفوسیوس الهام گرفته است • و به یک بینی است که برای چین کار میکند • و چین را نمیتوان با مغرب زمین شایه کرد • بدین ترتیب روزی تا غربی را هم نمیشود در چین اجرا نمود • زندگانی اجتماعی بینی عکس است بر اساسی فکری و اخلاقی کاملاً متفاوت با بنین اساسی در اروپا و آمریکا • در ایامی که سون فلسفه سیاسی خویش را بنا میکند اروپا - غرب - در جنب و جوی است لری چین هنوز بحرکت در نیامده است • سون در صد بر نمی آید اطلاقاً تو دیسیلین تا چین را ویران سازد و بر روی این صوانه پد سازمان عتوئی تو بتا کند • بلکه میتواند اطلاقاً تو معاصر اجتماعی واقعی چین در این سرزمین اجرا گردد • سون دولتی میخواهد که در آن نه اندیودوالیسم برتری داشته باشد نه بی نظمی و تنج و من • دولتی که سازنده طلقه از این زنجیر باشد که معرفت همان و تسلط حیات بین است • بهمن جهت باید ابد تولوجی کنش را بینی را با وضع بدیدی که سون در آن بسر میبرد فتودار و تمام ارکان سیاسی چین را بجز دوباره بنشیند •

xalvat.com

سون موسیالیست و ناسیونالیست است • به مبارزه طبقاتی معتقد نیست • بر عکس عقیده دارد که باید تمام طبقات چین را یکدیگر متحد نمود و حتون ملت چین را از اسه مارگران الب کنند • مفهوم ملت در نظر سون با مفهوم دولت کاملاً اطلاق دارد • بنظر وی ملت مخلوق نیروی الهیمی است در حالیکه دولت ساخته شده نیروی نظامی است • اصل در نظر وی چنین است : « یعنی اشتراک تواد طرز زندگی زبان مذهب و عادات مشابه » •

سون اردکننده اندر ناسیونالیسم است • ملت چین در حله اول باید از قید بیداد را برود و برابری و آزادی را بر قرار سازد • اما کاپیتالیزم نیز از طرف سون ارد میشود • در این مورد در بیان عقیده کنفوسیوس میگرد که : « در زمان حکمفرمایی اصل کیبر هر به در زیر آسمان است اما همه است » • تحول بشریت در نظر سون بدین ترتیب بوده است : بشر ابتدا علیه حیوانات جنگیده و این زمانی است که در کلیه انواع گیاهی می زیسته است • سپس مبارزه با طبیعت شروع شده : در این دوره سکن و پوهان بر بود

آمده اند. بشر برای اینکه بهتر علیه طبیعت مبارزه کند مسئله وجود مدعیان را پیش کشیده است؛ روسای مذهبی گاه بحکومت‌های رسیده اند. اما همین دست سلسله شهریاران بر ملت‌ها غارت شده و خاندان‌های ولادتی بیان هم ابتداء دادند. با وجود این بزودی موده‌های مردم نیز با شهریاران، خویش از در مبارزه در میانند و این شروع دوران دموکراسی است. موده‌های مردم باید حق تشکیل حکومت را بوسیله خود و برای خود بستانند. سوز نمی‌خواهد همه مردم با هم برابر باشند ولی معتقد است باید همه این امکان را داد که بتوانند در مراحل مختلف اجتماعی مرتباً بالاتر بروند. عدم برابری موجود در یک جامعه صرفاً ناشی از عدم تساوی لیاقت‌ها، استعدادها و قابلیت‌ها خواهد بود و نه ناشی از تولد و خون. حق آزادی و برابری با نتیجه تحول اجتماعی میدانند. در این مورد وی با روسو مخالف است. روسو معتقد بود که بشر پیش از تولد را از طبیعت جدا کرد در حالیکه بنظر من آزادی و برابری نتیجه تحول اجتماعی است. همین جهت بدین‌کار شدن دموکراسی بستگی به وضعیت‌های اجتماعی دارد.

بخاطر سوز مردم چهار گونه حق دارند: حق انتخاب، حق عزل، حق ابتکار در مورد قانون و بالأخره حق مراجعه به رفتارند.

salvat.com

این حقوق چهارگانه با این دین در هر گونه بشری بدون در نظر گرفتن اعتقادات یا جنسی همه مردم داده شود. وگرنه تمامه منافع می‌دهند و با آراء عمومی انتخاب می‌نهند. سیستم انتخاب‌های نه جنس را برده شده با شرط کارگزاری نه ضروری و نه درجه فرزندآوری. سوز در مورد انتخاب کارمندان حکومت‌های محلی و در انتخاب کارمندان حکومت مرکزی روش غیر مستقیم و دو درجه ای را پیشنهاد میکند. آراء در مورد صورت‌ها برابری است.

مجلس نمایندگان سیستم سیاسی استدارای قدرت و اجرا کننده نیروی عالیه مردم. انتخاب نمایندگان از مستقیم و بوسیله مردم انجام می‌دهند. این مجلس نسبت به کارمندان حکومت مرکزی حق انتخاب و عزل و نسبت به قوانین حکومت مرکزی حق ابتکار (پیشنهاد) و مراجعه به رفتارند دارد. اگر انتخاب کنندگان نیاید برای استفاده از حق رای‌داری شرایط لازم باشند در عوار انتخاب‌موندگان باید دوری خوانده و محدود کرده باشند. سوز در این مورد بین توانایی و قابلیت فرقی می‌گذارد. تمام کارمندان باید برای وکالت‌ترجیح برای کارمندی باید امتحان عام بدهند. همه آنها نماینده ملت‌اند و ملت حق عزل آنها را دارد و این حق را در مورد حکومت‌های محلی مستقیم و در مورد حکومت مرکزی بدین روش مستقیم و بوسیله مجلس نمایندگان مردم اعمال می‌کند.

تمام مردم در تدوین قوانین شرکت می‌جویند. این شرکت هم در مورد قوانین اساسی صادر است و هم در مورد قوانین عادی. اما در این باره نیز سوز بین سیاست محلی و سیاست مرکزی فرقی قائل نیست. در مورد قوانین اساسی و برون به رفتارند فقط در طاقیت مجلس نمایندگان مردم است. اما خود مردم در حالت‌خوب و مستقیمه قوانین عادی می‌توانند ابتکار عمل را بستانند. مجلس نمایندگان مردم نه

ارگانی است نه منفه و نه مجریه • بلکه ارگانی است سیاسی برای نظارت و تصمیم که نظریا قدرت صام
موراد حاکم است •

xx xx xx

بین در دوران آبادی پیش بدامان کمسولیتیم • ۱۹۶۵-۱۹۷۰ افتاده بود و همچنین
جهت ماندان مشبو بران سلطه شده بودند • حق میگردد • بین همینه بک ملت بوده ولی بعضی ها این
امر را باور نمیکنند • برای ادامه حیات بین باید دستبدانان ناسیونالیسم خود • قبل از هر چیز •
باید بین را بعنوان نژاد و ملت از تو بنا کرد • بعضی ها برای بنای نژاد نوبه باید مرام ناسیونالیسم
را اتخاذ کنند •

salvat.com

بریند • بین به از نژاد نوبه از نظر سیاسی و بالآخره به از نظر اقتصادی مورد تهدید قرار گرفته
اما نباید تهدید بنای از جنبه حیانتیه گذشته را داشته باشد • بین قادر است در این حال که بویستن را
یا دنیا را در زلفه بدد • اما بین کهن بکده بوده یافت نباید • بین باید بویستن را از زور بار وضع
حکارت اجزیه که نسبت بدنیای غرب دارد بظن کند و در عین حال مفاهم بدیده ای را که بر لبه آن
بود تنها کشور • در دنیا است بدور اندازد • بین در حالت همینیم • مصوره دول بیگانه نوابی بود •
باید ملت بین به لزوم وحدت آگاهی پیدا کند • سوز نرفدار انبوت بشری است و بنظر وی اولین شرط
این برادری ناسیونالیسم است • ناسیونالیسم باید پایه و اساس تجدید بنای اجتماعی بین باشد •

دموکراسی و رفاه اجتماعی برای متکیم و نالیت این ناسیونالیسم از شد •
بگونه میت وان بین را ادیا کرد ؟ یا ریزیم به انظریات کهن بین • به معارف باستانی بین و بالآخره
یا ادیان بداندازیم • بران بین • بین گذشته و حال باید بلور بر قرار کرد که سازه و پره افقه دوست سر
گزارای نوج دوستی بشریت نیکی صداقت و نادار • عدالت و صلح باشد • بهترین معالمن را برای
ساختمان بین ملی باید از انظریات کهن بین گرفتیم بران بر انظریات بدکار روشن است • باید
به معارف باستانی بین هم ریزیم کرد • برتری بشری ما در علم اداره اجتماع و در فلسفه تاریخ معلوم
و بران است •

این قسمت از عقاید سون عینا نظریات کنفوسیوس است که به نژاد بشر را با این معرفت جبرمانند • هس
انسان را صلیم • کشور را بطرز مدون گزارانته ای اداره کند و صلح را در دنیا بر قرار سازد •
سوز نه تنها با گذشته نمیبرد بلکه بویستن را سازنده جدید فرزند عشق و روش های باستانی اداره و
کنترول بین بداند • در نوبه استقلال • برات بین کهن به بین بدید است •
بشار سوز • ثروت برای بین بدین همان ارضی را دارد که آزادی برای اروپای قرن هجدهم داشت • برتری
شرد اصلی ترقی است • ترقی که سون از ان سوز بدید کرد • ادی نیست بلکه علاوه بران مجموع قابلیتها
و استعداد های تولیدی است • و بهمین جهت است که بین برای رسیدن به ترقی احتیاج به دانش مغرب زمین
دارد • جنبه انقلابی مرام وی از بین جا سر شده بیاگیرد • ترقی یعنی تسلیمات • طرق ارتباطی •

- کفایتی - صنعتی تجارت - باید تمدن مادی غرب را اتخاذ کرد ولی نباید در حد اقتباس فلسفه سیاسی مشرب زمین بر آمد . عادات اجتماعی نیز و مشرب زمین با هم اختلاف دارند . نیز نباید فراموش کرد که غربیها در علم اداره اجتماع، هنوز به پایداری که در علوم فیزیکی نائل شده اند نرسیده اند . استاده از درسیات اجتماعی غرب، منحرف نیست ولی بهر وی از آنها لزومی ندارد ؛ زیرا سون اعتقاد کامل دارد که حکومت در اساس غیر مادی می باشد امری است پسیکولوژیکی و ذر این مورد پسیکولوژی، بینها با غربیها کاملاً متفاوت است .
 بلکه سون میخواهد بین را با احیای ارزشها، اخلاقی و فرهنگی، جفعه آن و با استفاده از علوم فیزیکی و روشهای تجربی مشرب زمین از پلیدیها پاک سازد . سون مردی انقلابی و سازنده . میخواهد بین را به طریق پسیکولوژیکی آماده کند تا دلیلی آگاه گردد - میخواهد حکومتی پر قدرت ایجاد کند تا وسیله و ابزار سیاسی این ملت باشد .
 سون طرفدار آزادی فکری است . بنادر وی تمام فکر، کهن، بین احتیاج به حک و اصلاح دارد تا برای هدایت بین مدون از راه عملیات یافته آماده باشد زیرا آنچه بین از همه اهمیت دارد همانا و بقا، بین است . برای اینکه باید معرفت نبود را در افراد بین بی مهارت ساخت تا بین بتواند وظیفه باستانی خود را کماکان انجام دهد . این وظیفه عبارتست از تسلط بر آسیای شرقی و حفظ آن و دفاع از ملل رنجیده و زیر کشیده و از بین بردن نفوذ دروا، مصلحه .
 سون هم فیلسوف، استعم راهبر سیاسی . اگر در اندیشه فرو میرود صرفاً به خاطر اینستکه دست بکار شود و فکر خویش را به مرحله اجرا در آورد . حزب ملی انقلابی را وزیر اساس همین نظریه تشکیل داد . هیچ حزب بود که بعداً تبدیل به کومینتانگ شد . پیچیده سون ماموریت این حزب ترویج ایدئولوژی ناسیونالیستی و ممانعت از اینستکه بین از نشده دنیا بر آید . حزب ملی انقلابی ریشه ای است که بین حرام و واقعیت های مبارزه انقلابی ارتقا، بر قرار می سازد - وسیله ای است برای از بودن حرامهای سیاسی و اداری و فلیتیز، برنسیب در کراتیک به مشرهای که مامور انتقال میراث سازمان و فرهنگ بین به آینده اند . وقف دادن کشور با این حرام و رژیم جدید کاری است دشوار و وظیفه ای است محال . زیرا بین کار و بشین وظیفه ای در واقع عبارتست از استقرار امر و مستغزای نسبت به دولت بجای جان فداری و پاکری نسبت به دستگاه سلطنت - امر وفاداری نسبت به ملت بهارند . بلیونی بجای وفاداری نسبت به امپراتور . سون این فکر مشرب زمینها را که یک ملت صکن است در وجود یک شخص مچلی کرد بسیار دیگر امر ظاهر به مشرب غربیها را رد میکند و مستغزای افراد را نسبت به دولت در تار میگیرد نه نسبت به شخصی که در راه او قرار دارد زیرا بنظر وی اداره کنندگان دولت دارای قدرت نیستند بلکه صرفاً دارا، تا پایتیر ایالت و استعدادند . بدین طریق سون میخواهد بین از بین افراد بین را با بر آید که آنان بود تشکیل ملت جدید آگاه سازد .

شکل اقتصاد، کالا نهایی که ملت بین گرفتار آن بود، سوز را سخت‌تر نمود. مغفول مباداشت • از همین رو است که ناسیونالیسم سون ناسیونالیسمی است اقتصاد • و سرمایه با توجهی را دارد میکند زیرا بر همین وضعی ستان بارید گرفته و اهمیت از بوسیله تدابیر و عسب استعیاضه در نامی بیکانگان مسخک عدم است • سون می‌تواند دولتی بوجود آورد که بدینوسیله با اجازه داد مصور استعریب سون را بایکوت کنند • بدین‌لحاظ ناسیونالیسم ضد مشرقتی او تبدیل به یک ناسیونالیسم ضد بشری سون میشود زیرا انجام مغفول ما کافی نیست تا ناسیونالیسم را در انکار پیشی تا سون دهد •

سون تز مارکسیستی سلطه ناسیونالیسم را قبول ندارد • از نظر سراسی سون معینان فردی است پیشی و ملت زمین باید بر پیشتر حکومت کند و به سایر ملل آسیای شرقی که نباید تا استقلال پیشتر را بدست آورند و انگاه آنها را تحت قیمومیت غیر بخواهند بویزد باید •

salvat.com

در افکار سون همه چیز در اندیشه اساسی (ملت-نواد) دردی میزند • این (ملت-نواد) باید پیشتر را آزاد سازد (ناسیونالیسم) - بر پیشتر حکم روا می‌کند (دموکراسی) و بهتراز بهتراکاه و مشر بایشتر آورد • اجرای اصل " حکومت بر پیشتر " از لای پیشتر تا نباید با اجرای همین اصل از طریق سایر توده ها باعث اضطراب و تنازع گردد •

سوز-ارقدار نهضت، پان آزیا تیغه FAN - ASIATICUI است • اساس پیشتر نهضتی عوامل مغفول نوادی و احسان مشرقتی، چارزه علیه استعمار بخواهد بود • باید ابتدا قدرتمندی را در زمین فوج داد سپردن فکر تجدید برتری و صلح بر آسیای شرقی، افتاد و انگاه پیشتر صلحی را بر سراسر جهان گسترش داده •

اساسنامه کنفدراسیون محصلین و دانشجویان ایرانی در اروپا

نام : نام این سازمان کنفدراسیون محصلین و دانشجویان ایرانی در اروپا میباشد .
صریف : کنفدراسیون محصلین و دانشجویان ایرانی در اروپا تشکیل میشود از :

۱- ندراسیونها

۲- اتحادیه های واحد کشوری

۳- سازمانهایی که هنوز دارای فد راسیون نمیشاند .

هدف : هماهنگ کردن کلیه دانشجویان ایرانی در اروپا در انجمنها سازمانها و اتحادیه های متحد ایشان بصورت يك کنفدراسیون بمنظور ایجاد و حفظ و استواری روح همکاره بین ایشان در مبارزه برای کسب حقوق صنفی و دفاع از منافع ایشان بطور اعم در تاریخ و ایران و تدارك وسطه اول تفکیکاتی بمنظور ارتباط با همه محصلین ایرانی و مداخله در شرايط کار و چهارمجویی در باره مسائلی که در قشر دانشجویی و اقله محصلین کرده این منافع میبایستی ملاحظه راست .

ارگنها :

۱- کنگره عمومی ۲- شورای عالی ۳- هیئت دبیران

۱- کنگره - : کنگره عمومی عالیترین مرجع طایفه دار کنفدراسیون میباشد و از نمایندگان سازمانهای دانشجویی ایرانی مقیم اروپا از طریق ندراسیونها تشکیل میشود .
 صداد نمایندگان شرکت کننده دارای حق رای در کنگره از طرف هر واحد کنفدراسیونی بنسبت اعضای آن واحد بطریق زیر میباشد :
 واحد هاشمی که صداد اعضا از ۵ تا ۵۰ نفر است دارای یک رای و آنها شیکه صداد اعضایشان بیشتر از ۵۰ نفر است بمقتضای هر ۵۰ عضو اضافی دارای یک رای بیشتر میباشد .
 تبصره ۱- بواحد هاشمی که صداد اعضا بیشتر از پنجاه نفرشان میباشد ۵۰ رای بر نمیکند با داشتن بیشتر از ۲۵ عضو اضافه بر هشتاد نفر نیز حق رای اضافه صلتن میباشد .
 ولسای کنگره عمومی :

- ۱- رسیدگی یا اعتبارنامه ها و تمهیت نمایندگان و اتحادیه دار کنفدراسیونی در کنگره کفدراسیونی .
- ۲- استعانت گزین و اظهار نظر در فعالیت های هیئت دبیران .
- ۳- تعیین محل دبیرخانه .
- ۴- تعیین مثنی عمومی کنفدراسیون در آینده .
- ۵- تعیین محاور و تاریخ تشکیل کنگره آینده .
- ۶- تظییر و اصلاح مواد اساسنامه کنفدراسیون .

- ۷- رسیدگی بگزارن مالی و بیلان سالانه و صورت‌بندی سالانه
- ۸- کتکزه حد اقل در سال یکبار تشکیل میشود
- ۹- در صورت تصیم اکثریت مطلق، اعضا شورا مالی با انفاق ارا، بیشتردبیران کتکزه فوقیه فرا، خوانده خواهد شد

۲- شورا مالی -

- ۱- شورا مالی از نمایندگان واحدهای کتفدراسیونی تشکیل میشود
 - ۲- هر واحد کتفدراسیونی دارای یک نماینده در شورا مالی میباشد که توسط آن واحد به بیشتردبیران کتفدراسیون معرفی میشود
 - ۳- یکی از نمایندگان شورا مالی از بیشتردبیران خواهد بود
- وظایف شورا مالی :

xalvat.com

- ۱- تشکیل جلسه شورا مالی در صورت لزوم
 - ۲- نظارت و رسیدگی بکارهای بیشتردبیران
 - ۳- تقاضای تفکیک کتکزه فوق الماده در صورت لزوم
 - ۴- تهیه گزارش واحد ها توسط بیشتردبیران برای تقدم بکتکزه از وظائف شورا مالی است
 - ۵- در مورد دریافت تقاضای عضویت بصورت یک واحد کتفدراسیونی از طرف یک سازمان دانشجویی توسط بیشتردبیران این تقاضا بشورا مالی کتفدراسیون رجوع میگردد و در صورت موافقت شورای فوق فا تشکیل کتکزه کتفدراسیون این سازمان میتواند بعنوان ناظر در کتکزه، بلحاظ شورا مالی حرکت نماید
- همگونی اجزای واحد کتفدراسیونی از کتفدراسیون :

- ۱- فدا کتکزه عمومی یا اکثریت مطلق حق ابراج واحد کتفدراسیونی را دارد
 - ۲- اگر شورا مالی تصمیم دهد که واحد کتفدراسیونی بخصوص بصمیمات شورا مالی و دستورها با قوانین کتفدراسیون احترام نمیگذارد مودف است که کتکزه عمومی فوق الماده را فرا خوانده اجزای آن واحد کتفدراسیونی را در نواست کند
- همگونی کار شورا مالی :

- ۱- رایز اعضا شورا مالی میتواند کتبی باشد
- ۲- امتیاز تصیم در شورا مالی با اکثریت ساده است (ارا، ممتنع ملحوظ نخواهد شد)
- ۳- بیشتردبیران -

- ۱- بیشتردبیران مرکب است از ۵ نفر که از یک فداسیون با اعداد به واحد خواهند بود
- ۲- دبیر را بعد کتفدراسیون مودف است که اساقا، دلوجه را با اطلاع دبیران شورا مالی برساند

و از آنها نصب نظر کند *

۳- بیشتر دبیران یا دانشن مسئولیت همکاران مقابل کنگره مصیبات خود را فدا یا تقاضای ارا اعضا خواهند نمود *

بسمه ۱- در صورت انفا: رارادر بیشتر دبیران عوارض مالی منها مرجع طلبیدار تا

تفکیر کنگره عمومی برای رسیدگی و این تصمیم خواهد بود *

۴- بیشتر دبیران موظف است که برای توسعه روزه ۸- روی و نزدیکی بین کلیه دانشجویان ایرانی در

صافدادم با آنها باشد *

۵- بیشتر دبیران از روزه کمیته از فرعی: انتقارات- مالی- ارتباطات- و اطلاعات

انجام وظیفه میکند *

xalvat.com

کمیته های فرعی:

(۱)- کمیته انتقارات

۱- انتقار مجله ارگان کنگره آسیون

۲- باب و انتقار بیانیهها - دلنامه ها - بهرنامه ها *

(۲)- کمیته مالی

۱- کلیه واگذاری کنگره آسیون ۲۰٪ از درآمد (حو عضویت) بودرا بکنگره آسیون

میپردازند *

۲- کارت عضویت برای کلیه اعضا کنگره آسیون واجب خواهد بود و بوسیله

دبیرانته از روزه کنگره آسیونها بین اعضا پخش میشود *

۳- تقابیم دائمی، ترم و دخل کنگره آسیون و تهیه بیان مالی *

(۳)- کمیته ارتباطات

تربیم اسانامه

۱- پیشنهاد استحضار به تربیم یا غذا، یا آماده یا مواد، یا اضافه نمودن به آماده و یا مواد جدیدی

باین اسانامه فدا در موردی میتواند در کنگره سالیانته مطرح گردد که سه هفته قبل از تفکیر کنگره

سالیانته از ارا یکوا بد کنگره آسیون بدبیر رابا رسیده و باید از ارا بدبیر رابا اولا یکمخفه قبل از

تاریخ افتتاح کنگره بواگذاری کنگره آسیون برسد *

۲- چنین پیشنهادی فدا در موردی بتصویب کنگره عمومی خواهد رسید که ۱۵٪ دروسم ارا را حاضر باشد *

اتحاد

۱- در صورتیکه صداد واگذاری مستفکله کنگره آسیون از دو واحد کمتر خود کنگره آسیون متعلق میشود *

۲- درین صورت فراموشی کنگره چون بیکی از دانشکدهها، ایران اهدا خواهد شد *

پایان

لندن خوانویه ۱۹۶۱ دیماه ۱۳۰۹

مکتوب گونسویل - xalvat.com

- ماده ۱ - دانشجو - جو یک کارگر فکری جوان است.
- ماده ۲ - به عنوان یک جوان دانشجو حق دارد ضمن اجتماعی خاصی از نظر جسمی و فکری و روحی داشته باشد.
- ماده ۳ - به عنوان یک جوان دانشجو وظیفه دارد جزئی از نیروی جوان ملی و بین المللی باشد.
- ماده ۴ - به عنوان کارگر دانشجو حق دارد بهترین صلاحیت فنی را برای خود بدست آورد.
- ماده ۵ - به عنوان روشنفکر (یا کارگر فکری) دانشجو حق دارد در جستجوی حقیقت و غرض نه تنها به ان آزادی باشد.
- ماده ۶ - به عنوان روشنفکر دانشجو وظیفه دارد :
- بسازد و دفاع از حقیقت را بپذیرد.
 - از آزادی در مقابل سرکوتی و نفار دفاع کند و این برای روشنفکر مقدس ترین وظیفه است.

ما نمایندگان دانشجویان ایرانی در اروپا در کنفرانس دوم کنفدراسیون محصلین ایرانی
در اروپا (لندن دیماه ۱۳۳۹ - ژانویه ۱۹۶۱)

با الهام از : **xalvat.com**

- اعلامیه جنسون بشر
 - قانون اساسی ایران و مصمم آن
 - سخن انقلابی نهضت‌های روشنفکری در ایران و در دنیا
 - منشور گوندیلر و عناصر ارزنده آن در شناخت دنیای دانشجویی *
- با ایمان به :

- پی‌گیری مبارزات دانشجویی برای احقاق حقوق صنفی و اجتماعی خود
 - بزرگی و عظمت نیروی اجتماعی روشنفکران در جوامع فریبانده
 - پیروزی نهایی بشر مترقی نسل جوان در ساختمان ایران فردا
- اعلام «یداریم که :

- نهضت دانشجویی ما به‌عنوان پیش‌اهنگ نیروی جوان و روشنفکر برای دم
اهنگ‌ساختن کلیه دانشجویان ایرانی در ایران و خارج مبارزه بیدریغ خود را ادامه می‌دهد
- مبارزات صنفی و سازنده دانشجویی خود را براساس زیر استوار می‌کنیم :

۱- دانشجوی جوانی است که کار فکری می‌کند *

ساده ۱ - به‌عنوان کسیکه کار فکری می‌کند :

الف - به‌عنوان کسی که کار می‌کند :

- ۱- دانشجوی جز کار و استراحت در بهترین شرایط ممکن را دارد *
 - ۲- دانشجوی جز دارد به‌عنوان فرد زنده به‌عنوان یک گروه برای خود استقلال، مادر به‌عنوان
 - ۳- دانشجوی جز دارد در بالا بردن جان دانش و تکمیل صلاحیت فنی خود از بهترین وسائل
لازم استفاده نماید *
 - ۴- دانشجوی واپسند دارد که تمام صلاحیت فنی و ظرفیت جسمی و معنوی خود را در
ساختمان اجتماع بویزد، بکار اندازد *
- ب- به‌عنوان کسی که کار فکری می‌کند :

- ۱- دانشجوی حق دارد که در جمهوری حقیقت و شرط مشخصین آن آزادی باشد .
- ۲- دانشجوی وظیفه دارد که حقیقت را تشریح کند. انرا اشاعه کند و از آن دفاع کند .
- ۳- وظیفه مقدس و رسالت بزرگ دانشجوی است که از آزادی در مقابل هرگونه نفار سرکشانه دفاع نماید .
- ۴- دانشجوی وظیفه دارد که در جمهوری دفاع از حقیقت از منافع و منبسطی خود بدون تعلل و بنشین فعال و عطف خود در معزل برتری و پیشرفت اجتماع بویس آگاه و وفادار بماند .
- ۵- دانشجوی وظیفه دارد که با جهل و بیسوادی مبارزه کند و در راه توسعه و صمیم فرهنگ از پای نیفتد .

xalvat.com

مسأله ۲ - بمنوان جوان :

- ۱- دانشجوی حق دارد که تضمین اجتماعی خاص از نظر روحی جسمی و اندیشه‌های داغعه باشد .
- ۲- دانشجوی وظیفه دارد که بخشی از نیروی جوان ملی و بین المللی باشد .

مسأله ۳ - بمنوان عضو فعال اجتماع :

- ۱- دانشجوی وظیفه دارد با آنچه که عدالت اجتماعی و حقوق انسانی را تهدید میکند مبارزه نماید .
- ۲- دانشجوی وظیفه دارد که در بهبود شرایط زندگی جامعه خود کوشا باشد .
- ۳- دانشجوی حق دارد در پیکار علیه آنچه که موجودیتش بقا جامعه را بغیر همانندارد شرکت جوید .

دانشگاه

دومین کنفرانس بین‌المللی و دانشجویان ایرانی در اروپا
(لندن، دیماه ۱۳۹۱، رایبر ژانویه ۱۳۹۲)

salvat.com

بنیاد آگاهی و همکاری صنفی جوانان دانشجویان ایرانی در اروپا در آن سال گذشته به‌روزی خاصی فراوان بدست آورده است. تأسیسات پذیرش جدید و رایج و بیشتر تجربه‌ها و دانش‌جوهای کوناگون به در بهمان‌ویب معلوم و به در بهمان‌ویب‌ها را با شرف نشان دادند. اما از همه مهم‌تر، تکامل این جنبه بزرگ بوده است. انگیزه‌های علمی این کوشش‌ها نیز، جز آگاهی روز افزون، تساهل‌ها، به رسالت تاریخی خود در صمیمین مروت‌نوشته‌ها و آشنایی از نوع جامعه میهن ما و لزوم و ضرورت دفاع از منافع صنفی نیست.

فرهنگ کنونی ایران بضمنی، مجموع مظاهر اندیشه و ذهن بر کوی‌توان در کشور ما در حال رکود و انحطاطی آشکار بسر میبرد.

در ایران ضرورت کم‌بالاتر، نور افشانی با علم جدید زمانی آشکار شد که قدرت‌جها تکبر، حکومت‌های جهان و طلب‌تلام قرون وسطایی جامعه ما را بلرزده در آورد. شکست‌ها و ناکامی‌ها، که از اوایل قرن هجدهم نصیب جامعه ایران شد ایرانیان را بر اندیشه تا زودتر به درمان‌دگی و درمان‌دگی بود نثار افشاندند و به اموغرتن روشها و دانایی‌ها، تمدن بیروز زمان - تمدن غرب - به‌درازدند. از آنزمان اشتیاق به کسب علوم فرنگی همراه با تحوار کلی جامعه ما روز بروز قدرتش و اهمیت بیشتری یافت. هر چه ایرانیان درمان‌دگی خود را بیشتر احساس می‌کردند و بیشتر می‌خواستند که به قافله سالاران جامعه بی‌غری نزدیک شوند نیاز به فراگیر تر علوم و فنون جدید را بیشتر در مییافتند.

این نیاز هم‌راز چندین جنبه جهانی فوریت و حدت بیشتری یافت. در سراسر جهان دستخوار فرومانده زنجیرهای درمان‌دگی خود را گسختند و به کوشش بی‌کمر برای ناسمین رتاه حال خویش دست زدند. اصلاحات اقتصادی و اجتماعی چون موجی عظیم و توانا همه را در بر گرفت.

این جریان تاریخی، هنوز هم ادامه دارد. نبرد، که در رتفه است نبرد میان وجود و عدم است. آنکه می‌خواهد بماند باید بود را یا شرایباً نو جهانی دایره دهد. نظم کهن را بر اندازد و نغمی نو استوار سازد. این نبرد با فرومان‌دگی نبرد است. نبرد بی‌ساز و برد بجایی نمی‌انجامد.

کاردا تاز و کارشناسان کوناگون از سهم نبرین سازیرکها، را بر نبردند. بین پزشک، مهندس، معمار، و صنعت‌کاران رفت. بهر معمار و مهندس، برای مردم راه و تانته نمی‌توان ساخت. بهر جامعه شناور و اقتصاددان، بیکاری را نمی‌توان برانداخت.

این نبرد با درمان‌دگی نبرد امروز جامعه ما هم هست. همه میدانیم که در این نبرد عناصر روشنفکر نسل جوان به سهم عظیمی می‌باید دارند.

اما این نبرد را بی‌ریا و بی‌ادبانه، امکان نمی‌توان با انجام رسانید. وحدت‌معتور و تفکلیاتی دانشجویان

موفق شده اند بدینسان در بروردن دارو مورد کشف و کاشفی را که با جرایم این امر سپردارند از انجام خدمت نظام و اینکه اجباری، ممتاز دارد .

xalvat.com

بوده فرنگی ایران باید به تناسب احوالیات لیسی، ممتاز ایران، افزایش یابد . از آنجا که بر دانهی دارد که به تشکیل، انحصار و اعطایه های منفی سپردارند و یمشوان محصل دارای گذرنامه مصفی باشد مصنفین، دارد ازاداشه محل، مصفی، بودرا مصفی، کند . کشف راسیون به نظر این حقوق مسلم و موافقی که در راه اعصار آنها از لزوم، بعضی سرپرستی، با وجود اوده است اعتراف می کند . صده نامه کاشفی که از طرف وزارت فرستادن دانشجویان گرفته میشود و نافذ حقوق مسلم آنان (از قبیل شرکت در فعالیت های اجتماعی و سیاسی و ازدواج با اجناس بیگانه) میباشد محکم و مورد است . بمنظور تسهیل شرایط زندگی مصفی دانشجویان ایرانی در اروپا و جلوگیری از مصیفات سنگین و زایدی که موجب صوبه و کندر زندگی و کار مصفی آنان، گردد اداره و اجرای امور مربوط به دانشجویان ایرانی در اروپا باید احوال در مورد اروپا صورت گیرد . بر این اساس از این مقوم بشود مسئولین و کارمندان سرپرستی، ما باید از افراد کارخان و واقد به شرایط و اوضاع محل، ما موافقت نمود بر گزیده هوند و مشترکا با نماینده یا نمایندگان سازمان دانشجویی محلی با کشف راسیون کسری آنان با امور دانشجویان رسیدگی کند .

تشکیل سازمانهای دانشجویی بسند به درواستادان تجویان استاده اعتبارات و موافقت سرپرستی، ما . وظایف سرپرستی، ما است که انجمن های دانشجویی را برسمیت بشناسند و ما بر اساس اجرای نوبه زودتر این وظایف هستیم .

باید به کاشفی که صابیت، مصفی دارند از کشف هزینه مصفی، بر خوردار هوند و توزیع و قسم هزینه مصفی، و بواسطه و دیگر مزایا یا پیشنهاد و موافقت انجمن های دانشجویی صورت گیرد . از آنرو که دانشجو، مسکن، خاکی و سایر امور و جسمی از شرایط لازم امنیت خاطر و پیشرفت امور مصفی، دانشجویان است، دولت، برای تهیه مسکن و سایر، پیدا شد دانشجویان، باید به در ایران، و به در خارجه قوانین لازم را وضع کند و ترتیب، برای آنها را فراهم آورد .

بعضی دانشجویان ایرانی در اروپا بمنظور، کوشش از افراد ملک ایران، بموجب قانون اساسی امنیت استفاده از حقوق سیاسی و انسانی، مزایا دارند او باید کلیه تضییقاتی که در راه مسافرت دانشجویان در ایران و خارجه وجود دارد از میان برداشته شود . تا آنجا و مسائل اعصار، حقوق، متذکر در قانون اساسی و ایجاد مزایا، برای شرکت های دانشجویی، در اعطایات کشور در خار از ایران، بوجود آید .

عسکر العما، مقامات دولتی در قبال دفا، برات دانشجویان، دانشگاه تهران، (۱۹ اردیبه ۱۳۲۹) (روز دانشگاه) پیاد بود شهدای دانشگاه، فنر در سال ۱۳۲۷ هجری قمری، عدید کلیه دانشجویان ایرانی است . دفا، تصریحی، ارائه مالکان، موافقتی، در کار اعطایه های دانشجویی ایرانی در این کشور، محکم

نه تنها بزرگترین، یا در آن، در راه احراز حقوق صنفی است بلکه موثرترین و تازنده سازترین وسیله دستفرد
انجامه سازیم، نما، جوان، برا ادای ایزر سهم گرانمایه میباشد .

بزرگترین، علم که نهضت انسانی و خرد و صفتها را در ده طاق، تهدید میکند، مجزیه از به جوان، کویک
و پراکنده ایست که بر یکه در اندیشه بر آید، نیاز از معلی، نمود باشد و بیوند، در را با سایر جوامع
از یکسو و با خواستها و امکانات مردم، بویه، از دیر سواز دستفرد . با اعتقاد با بر، اصل، علم
دانش، بیا، ما از بیجا، بید، در کشور، آگونا، در اروپا، به جوید، انجمن، ما، جزا، بویه، و فراهم آوردن
انها در جبهه، از بزرگتر، بصورت، کفراسیون، دستگماشفتند . تا آنکه، برای، دستفرد، بار در بیار سال،
چاره، تقصیر، کفراسیون، دانش، بیا، ایرانه، در اروپا، را اعلام، رفتند .

ما دانشجویان، عضو سازمانها، دانشجویی، شهر، ما، منطقه، اروپا، کردیم، آمده ایم، تا با اتحاد، بود در
کفراسیون، دانشجویان، ایرانه، تخیم، اروپا، پایه، از اتحاد، دوستی، دانشجویان، ایرانه، را دستفرد، دفاع از
حقوق، شفافیت، و شرف، دانشجویی، حکم، سازیم .

ما بجا، از می، نه، دانش، ازان، دبیرستانها، و دانشجویان، دانش، آنها، ایرانه، برای، تاسیر، حقوق، صنفی، بود
سینما، بید، تصمیم، بید، و با ما، انیم، که، در به، زید، در ایضا، نیز، از آزاده، قابلیت، از صنفی، بر خوردان
شوند، تا بتوانند، به تشکیل، اتحادیه، دانش، بیا، دانش، آنها، ایرانه، را، اقدام، کنند .

ما شما، بندگان، حاضر، در دی، بین، کفره، کفراسیون، مصطبه، و دانشجویان، ایرانه، را، دانش، در اروپا، بجا، از جمع
عموم، دانشجویان، ایرانه، تخیم، اروپا، را، جستجو، و مسیانه، فاشید، بکنیم . کفراسیون، از آنجا، که
دلال، و آنها، نظر، در، حاشا، حاشا، و فرشته، و اجتماعی، را از، وفاق، دانشجویان، میدانند، به، بحث، و تحقیق،
در اینباره، پرداختن، به، شفافیت، زیر، رسید .

کفره، کفراسیون، دانشجویان، ایرانه، در اروپا، اعلام، بدارد، که، روز، سیاست، فرهنگی، کنونی، ایرانه، بوا، بکوی
خواستها، از، کفر، ما، نیست، و رایز، چهار، ایرانه، بید، ما، محکم، است .

تاسیر، بجا، از، مصیبه، برای، به، جوانان، از، وفاق، خط، دولت، است، و اداره، موسسات، فرهنگی، موسسات، سرمایه، های
خصوصی، بعنوان، و اداره، کار، مردم، بدست، مردم، و از، بید، تا، موسسات، تاریخی، و فردی، در اداره، سازمانها، و
آموزشی، مانند، دانشگاه، شیراز، ضربه، از، سهل، به، استقا، فرهنگی، و توفیر، به، نتیجه، ادبی، گرانمایه، است .

سیاست، علمی، دولت، برای، باید، در، جهت، توسعه، موسسات، و مراکز، فرهنگی، کشور، باشد، و اصولاً، بجا، از، مصیبت،
ایستادگی، و توسعه، برای، همه، باید، در ایرانه، فراهم، بود، و از، مزیت، جوانان، به، کار، به، ایرانه، منظور، جلوگیری
شود . دولت، دستفرد، توسعه، دانش، باید، از، کادر، موجود، در ایرانه، و دانشجویان، فارغ التحصیل، ایرانه،
در خارج، استفاده، کند، تا، از، اینکه، دانشگاهها، ایرانه، در، کیفیت، پذیرش، تمامی، داوطلبان، مصیبت، علمی، را، ندارند،
دولت، باید، از ایجاد، رگوتنه، مانع، و سد، در راه، سازمانها، به، کار، برای، ادامه، مصیبت، بود، در، کند .

دولت، دستفرد، بجا، از، با، بیسواد، و مصیبت، فرهنگ، باید، کلیه، زنان، و مردان، را، که، بدانش، دیپلم، توسعه،



است و کنفدراسیون هم‌دردی و همراه بود را با اتحادیه های دانشجویی کشورهای مزبور ابراز میدارد .
 با در نظر گرفتن حقوقی که افراد کشورهای آزاد دنیا در عصر حاضر از آن برخوردار می‌بایهند و با در نظر
 گرفتن اینکه کشور های عضو سازمان ملل متحد موافقت‌نامه اعلامیه جهانی حقوق بشر را در فلسف و تأکیدی بود
 با مدخل بیوشانند و با داشتن اینکه ماده ۱ تبصره ۳ و ماده ۱۳ تبصره ۱ منشور سازمان ملل متحد و
 ماده ۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر سازمان ملل متحد (۱۹۴۸) کلیه حقوق افراد هر کشور عضو را بدون هیچگونه
 تبعیضی برسد، می‌شناسد و با علم باینکه بانوان عزیز کشور ما برای اعزاز حقوق مدنی و سیاسی بود کوشیده
 اند و می‌کوشند کنفدراسیون خواستار تقویت فوری این حقوق مدنی و سیاسی به بانوان می‌باشد .

تشکیلات فدراسیون دانشجویان ایرانی در المان، شربین و برلین و پیوستگی اتحادیه دانشجویان ایرانی محکم رین
 و انجمن دانشجویان قدیم گرا (پمپولیس) و انجمن دانشجویان ایرانی محکم لوزان ما به پیوستگی است
 و سرانجام به هیئت های خود را از سازمان های مزبور اعلام میداریم و ایجاد سازمان های واحد دانشجویی در سایر

کنفدراسیون را نیز تنها راه نیل به اهداف دانشجویی می‌شمریم .

کنفدراسیون و خطب و دانشجویان ایرانی در اروپا با اعتقاد راسخی که به برابری انسانها در دراز
 اطلاعات، نوادگانها دارد بدینوسیله اقدام انجمن ما، دانشجویی ایرانی را بریتانیا دایر به ابراز
 انزجار و تشریح به سیاست تبعیض نوادگان دولت آفریقا، جنوبی تقدیر میکند و از هم‌ریم فرآورده های
 آن کشور اظهار تمسوت می‌نماید .

تلاش به منافع مشترک که میان همه دانشجویان جهان وجود دارد کنفدراسیون بدافع پیوستگی و روابط بی‌مغزی
 با همه سازمانها، دانشجویی و به صورت سازمانها، واقعی دانشجویان آفریقا و آسیایی که با مسائل و
 مشکلات مشابه مشکلات ما روبرو هستند علاقمند است .

دومین کنگره کنفدراسیون، خطب و دانشجویان ایرانی در اروپا مفاد قانع نامه کنگره دوم فدراسیون
 انجمن ما، دانشجویی ایرانی در بریتانیا را تأیید میکند .

دانشنامه ژانر سیاسی و اقتصادی مجمع دانشجویان ایرانی در آمریکا
که از تاریخ ۲۹ اوت تا ۲ سپتامبر ۱۹۶۰ با شرکت ۱۲۰ نفر دانشجوی
پشتا پندگه از ۱۰۰۰ دانشجوی ایرانی مقیم آمریکا تشکیل گردید.

۱- گزارشی کمیته سیاسی و اجتماعی، کمیته عمومی دانشجویان ایرانی مقیم آمریکا -

سیاست عمومی دولت در چند سال اخیر به از لحاظ داخلی و به از لحاظ خارجی زبانها، برای ناپذیری
برای ملت ایران فراهم آورده است.

در سیاست داخلی، بی‌استقرار اوضاع دولتی و اتکا به نیروی مملکت، سیاست سرکوبی آزادی
ساز مردم و اجتماعی مورد توجه بوده و در نتیجه سیاست ظالمانه دولت، نیز از یک سیاست ملی، منجر به
جواستهای مردم فاصله زیاد داشته است.

با توجه با این، تعلیقات برای آماده همیشه بهیچ‌دلیلی ایران و حفظ مصالح عمومی و اساس مردم ایران، که
با مداخله سایر ملل آسیایی و آفریقایی، همانند استعمار نظریات اصولی بود را در باره این سیاست دولت
بیشتر ذی‌اطعام می‌دانیم.

سیاست‌های داخلی

استقرار حکومت ملی بر مبنای دموکراسی تنها راه استعجاب میانی استقلال و آزادی ایران، بسوی نیروهای
انسانی برای پیشرفت دادن به نتیجه اقتصادی، فرهنگی، فزونی و اقتصاد کشور و بوجود آوردن ثبات و آرامش در
مناقشه‌ها و در میان است. لذا پیشنهاد میکنیم:

۱- اهداف یا انجام شده در جهت حکومت دکترا، که دنیا به‌لذت از اشکار استجابات، اعطای و کلیه کسانی
که بی‌ارزش می‌بینند و یا مخالفت با سیاست‌های دولت بی‌ارزش شده اند آزاد گردند.

۲- آزادیهای فردی، برای مردم را از برسد و آزاده و آزادی را اجتماعات ملی عملاً برسد، شفافیت شود.

۳- دولت‌ها انجام اهداف یا آزادی صورت نگیرد و وفادار بود را با اصول، مشروعیت فایده و یا به وسیله فاصله
برار تا کسی که سایر ملت و دولت ایجاد شده است از میان بر داشته شود.

۴- دست افراد نا درست به یا و باطل غیر از درست، کار دانی و ضمیمه، مقابله با صاحب را اغما
کرده اند از این نوع مداخله کوتاه شود.

۵- در مصدق بود به دولت برشته با... حفظ بی‌باز توجه زیاده از حد بی‌بودجه نظامی و جنگی توجه
بیشتر، بفرهنگ و بهداشت اورد.

۶- برای تضمین استقلال و مبارزه با هر نوع نفوذ اجنبی به هر چه و به غرب باید مبارزه با فکر و
اغلا، تبلیغی و بی‌عدالتی را با اجتماع سر لوحه برنامه دولت قرار گیرد.

سیاست‌های خارجی

در سیاست‌های بیرونی با اتکا به یکسان‌سازی برای که ما را با دولت‌های آسیایی و آفریقایی و اعضای کنفرانس

باندونده پیوند جدید توانستیم که :

الف - در سیاست خارجی سیاست‌های ثابت‌ها به اصلی سیاست‌های ما قرار گیرد .

ب - کشور ما از بیمانه‌های جهانی تا بر ... قرار گیرد .

ج - با توجه بلزیم صلح در جهان و جلوگیری از بروز بحران‌های منطقه ای ایجاد روابط احسنه با کلیه ملل همسایه مورد توجه بیشتر دولت قرار گیرد .

د - در راه توسعه همکاری‌ها با سایر ملل آسیایی و آفریقایی و ایجاد محیط احسن نظام با ملل همسایه که عرا اساسی برای بیمانه‌های اقتصادی منطقه آری و توسعه و تکامل صنعتی ایران است باید احساسات و مصالح ملل همسایه عربی و سایر ملل مسلمان را با نظرا احترام نگریسته و هر نوع اقدامی متضایر با این احوال بنظر میرسد خودداری کرد .

۲ - گزارش کمیته اقتصاد، معسرین مجمع عمومی دانشجویان ایرانی مملک آمریکا -

سیاست اقتصاد دولت در چند سال اخیر بر احوال علمی و اقتصاد ملی مبنی نبوده است . با صرف صدای میلیون دلار در آمد نفت در یافت فرجه ما بزرگتر عکس از منابع خارجی قدم قابل ملاحظه ای در راه بالا بردن سطح زندگی و پیشرفت تولید برداشته نموده و سیاست اقتصادی سطح مصرف را برآورد بالا برده در حالیکه سطح تولید همپایان با این مانده است . در نتیجه در حالیکه بار سنگین قرض بر دوش ملت سنگینی میکند و شرایط این کشور با استقلال اقتصادی و سیاسی ما لطمه وارد آورده است . مورد آرزوی کشور به کمبود اسلحاکی دچار شده بجز ترمیم قیامات اقتصادی را تهدید و طبقه کارگر و مزد بگیر و روشنفکر با شرایط سختی دست‌بگیران است .

ما با توجه بمسائل بالا در زمینه احوال مهم سیاست اقتصادی نظریات خود را باین شرح اعلام می‌داریم :

۱ - در سیاست دیپلماتی خارجی

الف - محدود ساختن ورود اعیان فصلی و لوکس که جزء ضروریات اولیه زندگی نیستند .

ب - ظاهر این چنین امری در سیاست گذرکی دولت دیده میشود ولی عملا انواع اعیان فصلی نظیر

انجمنیه‌ها، آمپریز، سیستم به نسبت دور از عادلای باور تمام وارد کشور میشود .

ج - از ورود اشیایی که نظائر آنها میتوان در داخل تولید کرد جلوگیری شود .

د - ورود کارخانجات و وسایل فنی که بمعنی شدن کشور کند میکنند جدا مورد نفی قرار گیرد .

ه - بمنظور تقویت صادرات دولت در سیاست صادراتی خود تجدید نظر و به بهبود بسته بندی اجناس

صادراتی کند موثر نماید .

xalvat.com

۲ - سیاست عمرانی دولت

الف - بر ملاحظه اینکه تا بحال مورد توجه قرار گرفته است دولت باید ضمنی ساختن کشور را از

اصلی و اساسی بود قرار داده و با بالا بردن سطح تکنولوژی و قدرت صنعتی بیشتر کفایتی ایران را از وضع فلاکت‌بار و ابتدائی فعلی بسوی کناریز و مکانیزه و مدرن هدایت کند .

ب - جای نامزد است که با صرف هزینه های بیشتر نفت برای راه سازی کشور ما از نظر جاده و وسائل حمل و نقل از فقیر ترین کشورهای دنیا است و این مسئله علاوه بر تأثیرات زیان بار بهمن این از نظر صنعتی و اجتماعی موجب شده است که اکثر محصولات اصلی در خارج بیابار نرسیده و خرید فراوانی بصادرات بگردد اولیدکننده وارد سازد . از این رو نیز است در تولید و صادرات جاده ها و راه آهن و بنادر و فرودگاهها از میز و میز سر استفاده بگردد و همچنین راه اقتصاد و اجتماعی تویه بیشتر بوده

۳ - سیاست دولت در بالا بردن سطح تولید

ب نظر ما برای بالا بردن سطح تولید که موجب بالا رفتن سطح زندگی - ایجاد کار و توسعه فرهنگ و بهداشت میگردد این است :

الف - با استفاده از جوانان تحصیل کرده در خارج و داخل ایران - مراکز تحقیقاتی و موسسات علمی برای بررسی رشته های مختلف تولید ایجاد شود .

ب - برکتیبا و توسعه دستگاه اماره کشور تویه این میبذوا گردد .

ج - در رشته های تولید نظیر بشکارت - کتیرا سفین - انلوزه همچنین ایجاد صنایع جدید نظیر کاغذ سازی - بیشتر سازی - کابلا سازی - آلبساز - صنایع شیمی - نفت که در صورت تویه مابذات فراوانی نصیر کشور میبذایند تویه شود .

salvat.com

۴ - سیاست استراتژی دولت

نسبت به روز دولت در یافت کمکهای خارجی و استراتژی از موسسات بیرونی المللی و غیر بیرونی المللی ما نیاز داریم :

الف - فدا برای پروژه های مهم و حیاتی که بخدمت ساختن کشور کمک میکنند باید قرار گرفت .

ب - ترشه ها و کمپنا باید بدین قید و شرط با استفاده از اقتصاد و سیاسی ما لایحه ا وارد نیاز بود .

ج - سرمایه داران خارجی جهت سرمایه گذاری و کمپانی آنان در ایران فدا باید در رشته های از تولید اجازه فعالیت داد که به بیشتر قوه تکامل صنعت در ایران کمک نماید و همچنین امکان فعالیت در امور داخلی کشور برای آنان مقدر نموده و بهمنافع مردم ایران لایحه ا وارد نشود .

د - سیاست مالیاتی دولت

سیاست مالیاتی دولت به از نظر تجارت خارجی و به از نظر هدایت پیشرفت تولید در ایران و به از نظر تامین بودجه این برای دولت باید مورد تجدید نظر قرار گیرد :

الف - مانند تمام ممالک متروکی باید کسانیکه سود بیشتری میبرند به نسبت صاعد مالیاتی بیشتر به بردارند

ب - دستگاه مالیاتی کشور باید بدست عناصر صالح و پاکدامن سپرده شود و از نفوذ جمعیت و رتبه در این مالیات جلوگیری شود .

ج - با توسعه تاسیسات پولی پیمانان داخلی تشویق و دولت با ایجاد شرکت ا و موسسات نیمه دولتی در رشته های تولید با همکاری اندامین سرمایه ا را که کمک نماید .

فدائمه مصوب ۱ روشن مجسم عمومی اتحادیه دانشجویان ایرانی در فرانسه

پس از احتمال بیدادگری و قتل انتحالی با تدویر بیستم نانوژگاری یا مبارزه سرسافاته ملت ایران در راه بازگرفتن حاکمیت و شرف ملی رو برو گردید .
در مدتی کمتر از یکسال این مبارزه مقدس انتحالی با تدویر بیستم نانوژگاری را به یاری باطل کجاستند .
بار اول امر انتحالی با تدویر اوضاع و احوالی برگزیده که هیئت حاکمه علیرغم میل باطنی خود با بنال آن متن در داد . اینبار هم که میخواستند انتحالی را که در شرایط غیرقانونی تر و خفیان اودهی انجام گرفته بود تحصیل کنند مبارزه بیدادگر مردم ایران چنین نقش عدم و عاشقانها بران نقش بر آب کرد و محفل آتشی که بیست لوزان هیئت حاکمه یا جنرال و شریفیات با زعد بر اثر فشار مردم و از بیع ضم ملت بسته عد . دور نمید میان جزو ویلا ایران انجام جزو باطل پیروز گردید و با بسته شدن آن کانون فساد که میخواست بهار سال دیگر مجدداً سرانجام را بزبیه خودگامگی شهکاران نماید تنگی از دامان مشروعیت ایران زدوده عد .
اکنون ورشکستگان هیئت حاکمه که دادگاه ملت دادنامه ورشکستگی سیاسی و اقتصادی آنان را صادر کرده است نغمه دیگری ساز کرده اند و میخواهند بهانه اصلاحات حکومت غیرقانونی و غیر ملی خود را ادامه دهند .
نیروی شکست اور ملت در دستبرد از مستحکم جبهه ملی به پیروی از سنتز مندی دیرینه خود در برابر این توطئه قدر علم کرده و مدتها نماینده بمیدان جلالیه فرستاد تا بجای نیان بنمایند که با هفتسال حکومت خون و کویکتورین تزلزلی درآراده او راه نیافعه و مصدر و آگاه تر بمیدان آمده است .

به پیروی و پشتیبانی از همین شیوه در برابر همین توطئه ما دانشجویان ایرانی مقیم فرانسه با استفاده بقانون اساسی و مصمم آن و اعلامیه جهانی حقوق بشر و منشور اعلام میداریم .
۱ - نظر باینکه بنا باصل ۲۹ مجسم قانون اساسی شورای مملکت ناشی از ملت است و بنا باصل هفتم مجسم قانون اساسی مشروعیت کلا و جزا حاصل بردار نیست . و نظریا اینکه طبق اصل ۴۸ قانون اساسی در فرمان انحلال باید هم علت انحلال هم تاریخ تجدید انتحالی تذکر شود و البته همین ماده انتحالی با تجدید یا بند کلا در تاریخ انحلال آغاز نرود و جلوه دیدن پیرایه سه ماه از تاریخ مزبور رسماً شروع بکار نماید . چون تاریخ انحلال ۱۹ اود بیست و نه ۴۰ ذکر شده است دوره فترت شش ماهه در قانون اساسی پیش از یکماه کفایت نیست . با اینکه تاکنون کمترین اقدامی و کمترین اشارهای از طرف مسئولین در باره تجدید انتحالی با نشده است از نیمه شب جمعه ۱۹ برداد ماه ۱۳۴۰ آقای دکتر علی امینی و همکاران ایشان توطئه گرانی علیه حقوق مسلم ملت ایران و ناقضین بهر روای اصول نامبرود در فروع بصورت اعلامیه و هشتم قانون اساسی بشمار می آیند .
۲ - نظر باینکه طبق مواد ۲۰، ۲۱ و ۲۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر بیان اراده همبستگی بوسیله نمایندگان عقبنی از ملت مجسم و معتبر است مردم کشور ما هم میدهند که افکار جهان بشریت و سازمانهای بین المللی و دولت های دیگر را متوجه این توطئه بسازد .

۳ - نظر باینکه طبق اصل ۱۹ قانون اساسی کلیه قوانین باید بتصویب نمایندگان ملت برسد . تغییر قانون انتحالی با جزو تصویب نمایندگان ملت است . نمایندگان که در مصیبتی آزاد و بدست مردم برگزیده شوند بهر شکل دیگر خود نظر قانون اساسی است . و نظریا اینکه انتحالی با آزاد در حدود قانون فعلی امکان پذیر است . عنوان کردن نواقر قانون انتحالی با بهر بیوز دیگری جز بهانه در ادامه فترت بی نفع تواضع گران قابل تفسیر نیست . آنچه تاکنون مانع انجام انتحالی با می آزاد بوده است همان قتل درونی و تبهکاری هیئت حاکمه امن نه نظر قانون انتحالی با .

۴ - نظر باینکه منشور دانشجو آزادی دانشجویان ایران اول جمعی است که هدف کسب دانش و فضیلت است . قلمداد کنده و از طرفی دفا از آزادی علیه هرگونه بیدادگری را مستدرین وظیفه دانشجویان است اوامه مبارزه دیرین در راه نیاب آزادی و دفاع از همان انجام رسالت تاریخی است که در دوران هرگز از پای نخواهد بود .
اتحادیه دانشجویان ایرانی در فرانسه

